

Criminal Liability of Judges in Issuing Illegal Rulings Due to Corrupt Interactions (A Comparative Study of European Laws)



Fatemeh Soleimanzadeh

Department of Criminal Law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran Iran (Corresponding author)
fatimasolimanazadeh@gmail.com



Mahmoud Saber

Associate Professor, Department of Criminal Law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
m.saber@modares.ac.ir



Asadollah Masoudi Magam,

PhD in Criminal Law and Criminology and Judge at the Supreme Court of Iran.
masudialireza@gmail.com

Received: 2025-07-01

Accepted: 2025-08-14



Abstract

Corrupt interactions pose a serious threat to the integrity of a judicial system. The lack of accountability for corrupt interactions and agreements by judicial officials with individuals involved in cases can lead to a loss of public trust in the justice system, embolden wrongdoers, and result in the widespread prevalence of corruption in all societal sectors. Since corrupt interactions in the criminal proceedings, from preliminary stages to sentencing, can violate fair trials and infringe upon individuals' rights, the research question of this study is: what penalties are foreseen for judges in the event of violations of fair trial principles and the issuance of illegal rulings due to corrupt interactions? This study, employing a qualitative approach and utilizing content analysis of documents, judicial decisions, in-depth interviews

Journal of Research and Development
in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 8 | No. 29 | Winter 2026
(Original Article)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/law.2025.2063765.1667

with judicial actors and lawyers (24 individuals), and a comparative study of European countries' criminal laws, explains the diverse manifestations of judicial corrupt interactions and analyzes the criminal sanctions available in the legal systems of Iran and selected countries. The research findings indicate that while some countries, such as Italy, Spain, Moldova, and Ukraine, have explicitly criminalized the issuance of unjust rulings and have stipulated corresponding punishments with precise definitions of their elements, Iranian criminal law does not explicitly envisage such a crime with this specific title. Instead, only certain behavioral aspects of these interactions, including falsification of content, bribery, and abuse of influence, are subject to general penalties. Issuing an unlawful ruling can only lead to criminal liability for the issuing judicial official if it falls under the scope of Articles 13 and 486 of the Islamic Penal Code, and Article 589 of the Islamic Penal Code (regarding Ta'zir and inhibitory punishments). Therefore, to ensure the integrity of the fair trial system and public trust, this research deems criminal liability for judges in cases of conscious and intentional issuance of illegal rulings, upon proof of corrupt interaction, to be necessary and proposes its inclusion in criminal legislation.

Keywords: Judicial Corruption, Corrupt Interactions, Criminal Liability, Illegal Ruling



مسئولیت کیفری قضاات در صدور احکام غیر قانونی به دلیل انجام تعاملات فاسد (با مطالعه تطبیقی قوانین کشورهای اروپایی)

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرمشناسی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

fatimasolimanzadeh@gmail.com


دانشیار گروه حقوق کیفری دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

m.saber@modares.ac.ir

دکتری حقوق کیفری و جرمشناسی و قاضی دیوان عالی کشور
masudialireza@gmail.com

فاطمه سلیمان زاده 

محمود صابر 

اسداله مسعودی مقام 

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

چکیده

تعاملات فاسد، تهدید جدی برای سلامت یک نظام قضایی است و فقدان پاسخ‌گویی در خصوص تعاملات و توافق‌های فاسد مقامات قضایی با افراد پرونده، می‌تواند منجر به سلب اعتماد عمومی به نظام دادگستری و جری شدن اشخاص و همه‌گیری فساد در تمام بخش‌های جامعه گردد. از آنجائی‌که تعاملات فاسد در روند دادرسی کیفری، از مراحل مقدماتی تا صدور حکم می‌تواند دادرسی عادلانه را نقض و حقوق اشخاص را تضییع نماید، لذا مسئله پژوهش حاضر این است که در صورت نقض اصول دادرسی عادلانه و صدور احکام غیر قانونی به دلیل تعاملات فاسد، چه ضمانت اجرایی برای قضاات پیش‌بینی شده است؟ پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و با بهره‌گیری از تحلیل محتوای اسناد، دادنامه، مصاحبه عمیق با کنشگران قضایی و وکلا (۲۴ نفر) و بررسی تطبیقی قوانین کیفری کشورهای اروپایی، ضمن تبیین جلوه‌های متنوع تعاملات فاسد قضایی به تحلیل ضمانت اجراهای کیفری موجود در نظام حقوقی ایران و کشورهای منتخب پرداخته است.

فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۸ | شماره ۲۹ | زمستان ۱۴۰۴

(مقاله پژوهشی)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/law.2025.2063765.1667

یافته های تحقیق نشان می دهد که اگرچه برخی از کشورها مانند ایتالیا، اسپانیا، مولداوی و اوکراین صراحتاً صدور حکم ناعادلانه را جرم انگاری نموده و مجازات متناسب با آن را با بیان دقیق ارکان تحقق آن پیش بینی کرده اند، لیکن در حقوق کیفری ایران چنین جرمی با عنوان خاص مذکور پیش بینی نشده و تنها برخی جلوه های رفتاری این تعاملات از جمله جعل مفادی، رشوه و اعمال نفوذ، مشمول مجازات های عمومی می گردند و صدور حکم خلاف قانون صرفاً در صورتی که مصداق مواد ۱۳ و ۴۸۶ ق.م.ا و ماده ۵۸۹ ق.م.ا بخش تعزیرات و مجازات های بازدارنده، باشد، می تواند منجر به مسئولیت کیفری برای مقام قضایی صادر کننده گردد. از این رو پژوهش حاضر در راستای تضمین سلامت نظام دادرسی عادلانه و اعتماد عمومی وجود مسئولیت کیفری برای قضات را در موارد صدور آگاهانه و عامدانه احکام غیر قانونی در فرض اثبات وقوع تعامل فاسد، ضروری دانسته و پیش بینی آن در قوانین کیفری را پیشنهاد می نماید.

کلیدواژه ها: فساد قضایی، تعاملات فاسد، مسئولیت کیفری، حکم غیر قانونی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

فساد در سیستم قضایی تأثیر مخربی بر شهروندان دارد و می‌تواند به طور جدی مشروعیت و ثبات نهادهای دموکراتیک را خنثی سازد (International Bar Association Judicial Integrity Initiative, 2016: p.13). فساد صرف نظر از دامنه آن، در بخش قضایی به عنوان بخشی از نظامی که دقیقاً برای مبارزه با فساد در جامعه طراحی شده، غیرقابل قبول است. در حالی که نظام قضایی و حرفه‌های شاغل در آن نقش اساسی در مبارزه با فساد دارند، خود این افراد می‌توانند در معرض خطرات اعمال فساد در نظام قضایی قرار بگیرند و زمانی که نهادهای بخش عدالت خودشان در معرض فساد قرار گیرند، هیچ سازو کار ضد فسادی موفقیت آمیز نخواهد بود.^۱ در ایران متداول ترین مصادیق فساد قضایی بنا به ادعای رئیس دیوان عالی کشور مربوط به ارتباطات غیراخلاقی و فساد مالی (بر پایه یک توافق) است.^۲ تعامل مقامات رسیدگی کننده با اشخاص ذی نفع و توافق با آنها می‌تواند رسیدگی را از روال قانونی و عادی خود خارج نماید. در جریان رسیدگیهای کیفری، از مرحله تحقیقات مقدماتی که مرحله جمع آوری ادله و تکمیل تحقیقات است تا مرحله دادرسی و صدور حکم، همواره باید اصول و قواعد حقوقی حاکم بر جریان رسیدگی با دقت و احتیاط مراعات شود (گلدوست جویباری و باقری نژاد، ۱۳۹۲: ۷۴). تعاملات فاسد می‌تواند با نقض اصول دادرسی و قواعد و رویه‌های حاکم بر آن، اشخاص و مراجعه کنندگان به دادگستری را از عدالت و یک رسیدگی عادلانه و منصفانه محروم ساخته و منجر به صدور احکام ناعادلانه گردد. بنابراین می‌بایست سازو کارهایی موجود باشد تا بتوان حقوق زایل شده افراد و خسارت متحمل شده آنان را جبران و از طرف دیگر با مجازات متعاملین فاسد، انگیزه آنان را در تکرار، کاهش و سایر مستعدین را از انجام چنین اعمالی بازداشت. با عنایت به این امر که در تعاملات فاسد نه یک اشتباه بلکه عمد و سوء قصد در فعل یا ترک فعل مربوطه موجود بوده و در واقع اشخاص با انجام این تعاملات و نقض عامدانه اصول دادرسی و حقوق طرفین در پی اخذ حکم ناعادلانه برای خود می‌باشند. لذا می‌بایست؛ اصل پاسخگویی و مسئولیت صدور حکم ناعادلانه خلاف قانون و نقض اصول دادرسی عادلانه در خصوص این اشخاص تضمین گردد. این تحقیق در پی آن است که با

¹ Messick, R. E., & Schütte, S. A. (Eds.). (n.d.). *Corruption risks in the criminal justice chain and tools for assessment*. U4 Anti-Corruption Resource Centre. <https://www.u4.no>

² بنگرید به: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/04/06/2041893>

بررسی مصادیق و جلوه‌های تعاملات و ارتباطات فاسدی که میان مقامات رسمی مجاز با اشخاص ذی نفع در روند دادرسی کیفری شکل می‌گیرد، ضمن تطبیق ضمانت اجراهای کیفری پیش‌بینی شده بر این مصادیق و امکان مجازات شخص فاسد با توسل به آنها، با بررسی تطبیقی مقررات چندین کشور اروپایی به دلیل پیش‌بینی این مهم در قوانین آنها، امکان پاسخگویی قضات را در خصوص صدور حکم ناعادلانه مبتنی بر تعاملات فاسد، طبق قوانین موجود در نظام عدالت کیفری ایران، تبیین نماید. هرچند که ترسیم دقیق تصویری از چگونگی وقوع این تعاملات در سیستم‌های قضایی با هرگونه تحلیلی ساده رد شده و به نکات دقیق وظریف و مفهوم بنیادی قوی نیاز دارد. چراکه آنچه که در اتاق جلسات دادگاه دیده می‌شود، اطلاعات کمی درباره آنچه در پشت صحنه اتفاق افتاده است، ارائه می‌دهد. این فقدان اطلاعات باعث می‌شود؛ هرگونه تجزیه و تحلیل سیستماتیک از فساد در دادگاه‌ها بی‌حد و حصر چالش برانگیز باشد. (Peerenboom, 2009: p.197).^۱

۱. روش تحقیق

مقاله حاضر با بهره‌گرفتن از تعاریف مطرح در خصوص فساد و فساد قضایی از جمله تعریف سازمان شفافیت بین‌المللی و نظریه کنش ارتباطی هابرماس، با کاربری روش تحقیق کیفی، درصدد است؛ تا با بیان مصادیق و جلوه‌های تعاملات فسادآمیز کنشگران قضایی و

۱. از جمله محدودیت‌های تحقیق در پرونده‌های فساد می‌توان به این موارد اشاره کرد: تبلیغاتی بودن موضوع فساد می‌تواند موجب عدم اعتماد به گزارش‌های رسانه‌ها گردد. داده‌های رسمی نمی‌تواند جامع باشد آمار رسمی مربوط به دادگاه‌ها محرمانه یا حتی کاملاً محرمانه در نظر گرفته می‌شود، دسترسی به داده‌های دادگاه اصلی از هر نوع بسیار دشوار است، چه رسد به داده‌های مربوط به فساد دادگاه. از طرف دیگر داده‌های مربوط به جرایم ثبت شده که بخشی از آن مربوط به فساد است، براساس داده‌های کشف شده پلیس و احکام صادر شده در دادگاه است. داده‌های پلیس و احکام دادگاه برای ارزیابی میزان فساد مفید هستند، اما تنها شامل اشخاص متهم و محکوم شده هستند که این امر می‌تواند براساس ادله و شواهد ارائه شده توسط دادستان و یا دفاع او و همچنین با استناد به شواهد محدود، شهادی که حاضر به حضور در دادگاه نبوده، چانه زنی برای کاهش حکم احتمالی و یا با اعمال فساد مختومه شده باشد که تعداد آن نسبت به اعمال فساد واقعی بسیار کم است. سه دلیل احتمالی برای تعداد بسیار کم از رفتارهای فاسد در داده‌های رسمی آماری وجود دارد. اول، شهروندان دلایل مختلفی برای گزارش نکردن جرائم فساد دارند. دوم، نهادهای تحقیق به ندرت در جریان کار خود چنین تخلفاتی را کشف می‌کنند. سوم، جرمی که گزارش شده اثبات نمی‌شود. بنابراین؛ جرایم فساد سطح بالا تعقیب نمی‌شود-تعقیب می‌شود ولی سیستم کشف نمی‌کند-کشف می‌شود ولی تحقیق صورت نمی‌گیرد-تحقیق می‌شود ولی حکم محکومیت صادر نمی‌شود.

See: Analysis of the Criminal Justice System's Response to Corruption (Bosnia and Herzegovina) Technical Report · January 2017. www.researchgate.net/publication/313309215

ضمانت اجرای های پیش بینی شده در قوانین موجود، امکان پاسخگویی قضات فاسد را در خصوص نقض اصول دادرسی و صدور حکم ناعادلانه، تبیین نماید. در این راستا از روش تحلیل محتوای اسناد و مدارک از جمله دادنامه و پرونده های قضایی - انتظامی، تحلیل گفتمان برخی مقامهای عدالت کیفری، تحلیل محتوای گزارشها و اطلاعات جمع آوری شده از رهگذر خبرگزاریهای رسمی داخلی و خارجی در خصوص پرونده های فساد قضایی و همچنین قوانین برخی کشورهای اروپایی، استفاده شده است. علاوه بر این موارد، برای درک عوامل و بسترهای قانونی و ساختاری دادرسی کیفری که قضات را به ورود در چرخه فساد و تعاملات فاسد سوق می دهد که به طور معمول در متن قوانین و دادنامه ها انعکاس داده نمی شود، از روش مصاحبه عمیق با کنشگران قضایی، وکلا و کارکنان اداری دادگستری و ضابطان قضایی، بهره گیری شده است.

روش نمونه گیری در این پژوهش، از نوع هدفمند است و براساس آن صرفاً پرونده های مربوط به فساد قضایی و یا تخلفات انتظامی قضات و کارمندان اداری دادگستری، انتخاب شده و با اشخاص حقوقی که در این زمینه مشاهده یا تجربه ای داشته اند، مصاحبه صورت گرفته است. داده های مربوطه از طریق حضور در مجتمع قضایی ویژه کارکنان دولت، مجتمع ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی و دادرسی عمومی و انقلاب برخی نواحی شهر تهران و همچنین دادگاه ها و دادرسی های عمومی و انقلاب دو شهر از دو استان شمال غربی کشور به دست آمده است. با توجه به اینکه موضوع مقاله از حساسیت بسیار بالایی برخوردار بوده و امکان مطالعه پرونده های موجود به دلیل محرمانه بودن آنها، برای پژوهشگر دشوار بوده است؛ لذا تلاش گردید؛ از منابع داخلی رسمی (از جمله سایت های خبری و گزارش خود نهاد قوه قضاییه از فسادهای کشف شده) که بازتاب دهندهء اطلاعاتی در این خصوص بود، نیز استفاده گردد.

مصاحبه های این پژوهش، از نوع عمیق و نیمه ساختارمند است و روند مصاحبه نیز تا مرحله اشباع نظری (۲۴ مصاحبه) ادامه یافته است. مصاحبه شوندهگان شامل:

مقامات قضایی (شامل: دادرس، بازپرس، دادیار): ۷ نفر	ضابط دادگستری: ۳ نفر
وکلا دادگستری: ۱۱ نفر	کارمند اداری دادگستری: ۳ نفر

۲. تعریف فساد قضایی:

سازمان شفافیت بین الملل، فساد را به عنوان « سوء استفاده از قدرت واگذار شده برای منافع شخصی » تعریف می کند.^۱ منافع شخصی هم شامل سود مالی و مادی و هم شامل منافع غیر مادی مانند پیشرفت و ارتقای سیاسی یا حرفه ای می شود. این تعریف از فساد اداری به طور کلی در سایر مصادیق فساد نیز مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین می توان گفت فساد قضایی به سوءاستفاده از قدرت قانونی توسط پرسنل قضایی برای منافع شخصی یا گروهی^۲ اشاره دارد (Gong, 2016: p.34). در یک تعریف دیگر، فساد قضایی شامل موارد تاثیر نامناسب بر بی طرفی روند قضایی توسط هر مقامی در سیستم دادگستری می باشد^۳ در نتیجه، فساد قضایی با اقدامات اعضای دادگستری، به عنوان مثال قاضی وکارمند دفتری که با قصد کسب منفعت در پی نقض دستورات و رویه ها هستند، مشخص می شود. (Voigt&Gutmann, 2015: p.157).^۴

^۱ سازمان شفافیت بین الملل (۱۳۹۵)، فساد در نظام های قضایی؛ گزارش سازمان شفافیت بین الملل (لیلی منفرد) مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه (2007)

² cliquish gains

³ Combating Corruption in Judicial Systems: Advocacy Toolkit Publisher: TI Secretariat: 2007 Field(s): Corruption.p33

⁴ See: Brooks, G., 2019. Criminal justice and corruption: state power, privatization and legitimacy. Springer. Buscaglia, E., 2001. An analysis of judicial corruption and its causes: An objective governing-based approach. International Review of Law and Economics, 21(2), pp.233-249. Voigt, S. and Gutmann, J., 2015. On the wrong side of the law—Causes and consequences of a corrupt judiciary. International Review of Law and Economics, 43, pp.156-166. Fair Trial Implications of Corruption Allegations at the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. www.ticambodia.org FROM: Elizabeth Nielsen, Yale Law School Legal Associate, Documentation Center of Cambodia TO: Anne Heindel Legal Advisor, Documentation Center of Cambodia. Benson, B.L., 1988. An institutional explanation for corruption of criminal justice officials. Cato J., 8, p.139. Gramckow H, Corruption Risks in the Criminal Justice Chain and Tools for Assessment (c3 U4 Issue 2015: 2, Chr Michelsen Institute 2015) Wagner, B.B. and Jacobs, L.G., 2008. Retooling Law Enforcement to Investigate and Prosecute Entrenched Corruption: Key Criminal Procedure Reforms for Indonesia and Other Nations. U. Pa. J. Int'l L., 30, p.183. Brooks, G. (2016). Criminology of Corruption: Theoretical Approaches. Basingstoke: Palgrave Macmillan. Brooks, G., Lewis, C., Walsh, D., & Kim, H. (2013). The Prevention of Corruption: Investigation, Enforcement and Governance. Basingstoke: Palgrave Macmillan. Burkhardt, B. (2014). Private Prisons in Public Discourse: Measuring Moral Legitimacy. Sociological Focus, 47(4), 279–298. Jenkins, S. (2013). Miscarriages of Justice and the Discourse of Innocence: Perspectives from Appellants, Campaigners, Journalists, and Legal Practitioners. Journal of Law and Society, 40(3), 329–355. Lindgren, J. (1988). The Elusive Distinction Between Bribery and Extortion: From the Common Law to Hobbes. UCLA Law Review, 35, 815. Ayers, I. (1997). The Twin Faces of Judicial Corruption: Extortion and Bribery. Yale Law School Scholarship Repository Paper 1500, 1(1), 1213–1253. Braimah, A. I. (2016). Are Judges Corrupt? An Empirical Analysis of the Ghana Judiciary. Journal of Humanities and Social Science, 21(8), 12–21

و همچنین رجوع شود به؛ پژوهشکده مطالعات پایه (۱۴۰۰)، ارزیابی فساد قضایی در آمریکای مرکزی و پاناما و سازوکارهای مقابله با آن (سمیه عالی) پژوهشگاه قوه قضائیه و مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، دولتخواه پاشاکی، پیمان (۱۴۰۰)، سازوکارهای کنترل فساد قضایی در نظام عدالت کیفری، چاپ اول، تهران: مهرکلام، طاهری احد، طباطبایی، محمدصادق

۱-۲. تعاملات فاسد در نظام قضایی:

در نظام قضایی انواع مختلف از سوء رفتارها را می توان مشاهده کرد که طیف آنها را می توان به سه قسم تقسیم بندی نمود:^۱ نوع «الف» شامل مواردی است که از طریق سوء استفاده های فیزیکی قاضیان یا سایر مقامات از دادخواه و بازداشت و دستگیری غیرقانونی آنها با اعمال فیزیکی و زور انجام می پذیرد.^۲ نوع «ب» بیانگر سوء رفتارهایی است که بدون وجود مبادله و تبادللی بین قاضی و دادخواهان، رخ می دهد. مانند اختلاس، سوء استفاده از دارایی ها، فریب اصحاب دعوا^۳ و سهل انگاری های جدی در رسیدگی هاست. نوع «ج» نشان دهنده رشوه خواری و اعمال نفوذ است که به صورت مبادله ای و در بستر یک تعامل و توافق رخ می دهد که این مبادله فقط به معاملات پولی (موارد تحت تأثیر رشوه پولی) محدود نشده و شامل هر چیزی است که برای شخص متعامل می تواند ارزشمند باشد.^۴ (Peerenboom, 2009: p.198). این تبادلات همیشه به صورت متقابل (کاربر دادگستری و

(۱۳۹۹)، تبیین راهکارهای مبارزه با فساد قضایی در نظام دادرسی مدنی ایران؛ فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۰، شماره ۲، صص ۲۵۸-۳۰۲، آلبرشت، هانس یورگ، (۱۳۸۸) فساد و کنترل فساد: نگاهی به پدیده فساد با رویکردی به اسناد بین المللی در زمینه ی پیشگیری و منع فساد؛ (مجید فورچی بیگی)، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، شماره ۱۷ و ۱۸

^۱ تقسیم بندی دیگری از فساد قضایی نیز وجود دارد که در آن فساد قضایی به فساد اداری و عملیاتی تقسیم می شود؛ فساد اداری وقتی اتفاق می افتد که کارمندان اداری دادگاه برای انجام منافع شخصی خود رویه های رسمی یا غیر رسمی اداری را نقض کنند. نمونه هایی از فساد اداری شامل مواردی است که کاربران دادگاه برای تغییر رفتار قانونی که توسط پرونده ها و مواد کشف شده صورت می گیرد، به کارمندان اداری رشوه می دهند، یا مواردی که کاربران دادگاه به کارمندان دادگاه برای تسریع یا تأخیر در پرونده با تغییر غیرقانونی ترتیب رسیدگی که قرار است این قاضی در آن حضور داشته باشد، مزایا پرداخت می کنند یا حتی مواردی که کارمندان دادگاه مرتکب کلاهبرداری و اختلاس اموال عمومی یا خصوصی در توقیف دادگاه شوند. موارد فساد اداری شامل بی نظمی های رویه ای و اداری است. فساد عملیاتی که شامل خرید / فروش احکام دادگاه، مشتری مداری سیاسی مربوط به دادگاه، تغییرات با انگیزه سیاسی در احکام، تغییرات با انگیزه سیاسی در صلاحیت و اخاذی است. معمولاً وجود فساد اداری در دادگاهها رشد فساد عملیاتی را تقویت می کند و بالعکس. % ۹۵ موارد سوء استفاده از اختیار شامل نقض قاضی از دستورالعملهای رویه ای (به عنوان مثال، زمانهای دادرسی یا قوانین کشف) یا احکام قضات است که براساس قوانین نسخ شده یا اعمال قوانین نادرست به پرونده بنا شده است.

See: Buscaglia, E. (2001). An analysis of judicial corruption and its causes: An objective governing-based approach. *International review of law and economics*, 21(۷), p.237

^۲ نوع الف سوررفتار یعنی خشونت فیزیکی با توجه به اختیارات پلیس در اجرای دستورات مقامات قضایی در جلب و دستگیری و... خشونت فیزیکی و محرومیت از آزادی اتفاق بیافتد (مثل خفگی یکی از دستگیرشدگان توسط پلیس)

^۳ swindling litigants

^۴ . از جمله؛ درخواست های جنسی، صدور پروانه ساختمانی بدون رعایت ضوابط، استخدام شخص مورد نظر در ارگان های

پیشنهادی و...

مقام رسمی) نبوده بلکه می‌تواند اغلب از طریق واسطه، انجام شود، شخصی که با هر دو طرف آشنا بوده و تضمین می‌کند که خواسته هر دو طرف به درستی انجام خواهد شد.^۱ در این مقاله فساد قضایی از نوع ج ۲ مورد بررسی قرار گرفته^۳ و منظور از آن هر گونه تبادل و تعاملی است که در آن حداقل دو نفر نسبت به انجام یا عدم انجام یک عمل قانونی یا رویه ای و یا نقض آن توافق می‌نمایند.

۱-۱-۲- مصادیق و جلوه‌های تعاملات فاسد:

این تعاملات در محیط قضایی برای انجام و اعمال طیف وسیعی از سوءرفتارها انجام می‌گیرد. اختیار و موقعیت مقام رسیدگی‌کننده، مراحل دادرسی از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر نوع و گستره تعاملات تأثیر گذار بوده و تعیین‌کننده آن باشند. در مرحله

۱. بنابراین این تبادل می‌تواند از دو طریق حاصل شود: -مستقیم: مستلزم اعتماد قابل توجهی بین طرفین است که معمولاً مبتنی بر دوستی، تماس‌های قبلی یا توصیه شخص دیگری است که مقام عمومی به آن اعتماد دارد. همچنین می‌تواند شامل ابزاری برای فشار ناشی از روابط قدرت (مثلاً مقام بالاتر)، یا از طریق باج خواهی مقام رسمی باشد. - غیر مستقیم: مستلزم استفاده از واسطه می‌باشد که ممکن است همکاران فعلی یا سابق مقام رسمی یا افرادی باشند که این مقام اغلب با آنها در تماس است، مانند پرسنل دادگاه، وکلا یا حتی اقوام و همسایگان قضات.

See: Council of Europe. (2009). *Corruption risk in criminal process and judiciary* (p. 35). <https://rm.coe.int/16806edf5>

۲. بحث فساد قضایی مبتنی بر تعامل، از نظریه کنش ارتباطی هابرماس الهام گرفته شده است؛ طبق این نظریه، فساد، استعمار روابط اجتماعی است که در آن دو یا چند بازیگر وجود دارد که با انتقال موفقیت آمیز رسانه هدایتگر پول یا قدرت، رابطه مبادله ای برقرار می‌کنند و از این طریق روال مقرر قانونی را برای تنظیم رابطه کنار می‌گذارند. فساد را می‌توان از نظر تئوری ارتباطی به عنوان نوعی تعامل اجتماعی که دور زدن مراحل قانونی از طریق پولی سازی و بوروکراسی سازی روابط اجتماعی است، تصور کرد. در فساد دو یا چند نفر دست دارند که موفقیت مبادلات را پیش بینی می‌کنند. فساد از منظر نظریه ارتباطی، نوعی مبادله است که یک نفر باید آن را شروع و حداقل یک نفر دیگر باید تحریک یا تحت تأثیر قرار گیرد تا یکی از طرفین نقش فعال‌تری در معامله داشته باشد.

see: Deflem, M., 1995. *Corruption, law, and justice: A conceptual clarification*. *Journal of Criminal Justice*, 23(3), pp.243-258

۳. انواع فساد الف و ب معمولاً به دلیل وجود ادله و اثر اثبات فساد، از جمله مفقود شدن دارایی یا وجود یک قربانی مستقیم بیشتر در معرض خطر افشا قرار دارند. در عوض فساد مبتنی بر توافق داوطلبانه بین طرفین معامله که هر دو طرف از آن سود می‌برند به دلیل ایجاد حس تعادل، باعث پنهان کاری و حفظ رفتار فاسد شده و کشف آن را دشوار می‌کند. نگاه کنید به: سراج، ناصر (۱۴۰۰)، *جرایم اقتصادی سازمان یافته و تأثیر آن بر نظام اقتصادی کشور* (مطالعه موردی: پرونده فساد بانکی سه هزار میلیارد تومانی) فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱۱.

And See: Wagner, B.B. and Jacobs, L.G., 2008. *Retooling Law Enforcement to Investigate and Prosecute Entrenched Corruption: Key Criminal Procedure Reforms for Indonesia and Other Nations*. *U. Pa. J. Int'l L.*, 30, p.215. *Effective prosecution of corruption : report on the Master Training Seminar, Ghaziabad, India, 11-13 February 2003*

تعقیب تعامل با دادستان و مقام تعقیب می‌تواند برای عدم ثبت و ارجاع پرونده،^۱ دخالت در روند تحقیقات، درخواست تاخیر در بررسی پرونده، ایجاد و یا پنهان کردن ادله از طریق ارتباط با بازپرس، تغییر در گزارش‌ها و مدارک به دست آمده توسط ضابطان، و یا رد یا تغییر عنوان اتهامی، تغییر قرار تامین صادره و یا اجتناب از صدور قرار تامین شدید، ارجاع به مقام تحقیقی که نتیجه مورد نظر از او انتظار می‌رود، ترساندن شاهد از عواقب شهادت خویش و تاثیرگذاری غیرمستقیم بر او، امکان انتخاب وکیل ترجیحی و یا ارجاع به کارشناس و یا هیئت کارشناسی برای پیروی از دستورات بعدی، که بیشتر از طریق پیشنهاد رشوه و مزایا و منافع مادی و یا اعمال نفوذ توسط اشخاص سیاسی و یا غیر سیاسی بوده است، صورت پذیرد. در مرحله دادرسی و رسیدگی در دادگاه علاوه بر امکان تعامل بر بسیاری از سوءرفتارهای فوق الذکر، با توجه به نقش قاضی رسیدگی کننده، بیشتر تعاملات برای مختومه کردن پرونده از طریق صدور حکم اعم از براءت و یا محکومیت، صورت می‌گیرد. صدور مجازات نامتناسب و سبک برای محکوم علیه و یا استفاده از جایگزین‌ها، عفو یا آزادی مشروط بدون رعایت شرایط آن از جمله جلوه‌های سوءرفتارهای مبتنی بر تعامل در دادگاه می‌باشند. اما نقش کارمندان اداری دادگستری در این تعاملات را نیز نمی‌توان نادیده گرفت، سوءرفتارهایی چون افشای اطلاعات مهم و دادن چنین اطلاعاتی به طرفین دادرسی، تاخیر و یا کوتاهی در انتقال و ارسال دستورات دادگاه از جمله در قرارهای بازداشت و یا توقیف دارایی افراد، کوتاهی در ارسال احضاریه‌ها و ابلاغیه‌ها، ارائه اطلاعات نادرست و بی‌اساس در خصوص هزینه‌های دادرسی و دریافت وجوه اضافی، از بین بردن مدارک و یا الصاق مدارک ساختگی یا منقضی شده در پرونده‌ها، حذف و یا اضافه کردن جملات و یا کلمات در صورت جلسه و آرای صادر شده، از جمله این سوءرفتارهای ارتكابی کارکنان می‌باشد.^۲

۳- ضمانت اجرای کیفری تعاملات فاسد قضات:

قبل از بررسی و تحلیل ضمانت اجرای های کیفری موجود برای جلوه‌های تعاملات فاسد مقامات قضایی رسیدگی کننده به پرونده، در بررسی مسئولیت این اشخاص باید دو نکته

^۱ . برای اطلاع بیشتر از اختیارات دادسرا در نحوه بررسی پرونده نگاه کنید به: افراسیابی، علی . (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی معیارهای متهم‌انگاری در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، آراء دیوان اروپایی حقوق بشر و نظام حقوقی ایران . (e719189) فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی . doi: 10.22034/law.2024.2041572.1460

^۲ . جلوه‌ها و مصادیق ذکر شده از تجربه و مشاهدات ۲۴ مصاحبه شونده، استخراج گردیده است.

متضاد را در نظر گرفت: اول اینکه این مسئولیت نباید برای فشار بر استقلال قوه قضائیه استفاده شود. دوم، باید از قضاوت های غیرقانونی عمدی جلوگیری کرد. قانون گذار نیز باید در نظر داشته باشد که قضاات نه تنها باید از مسئولیت احتمالی در صورت صدور احکام غیرقانونی عمدی آگاه باشند، بلکه باید برای صدور احکام قانونی از آزار و اذیت اشخاص نیز محافظت شوند. از دیدگاه جامعه سوء رفتار قضایی در درجه اول به عنوان یک جرم علیه مردم و نظام حقوقی، به جای جرمی علیه هر یک از اعضای جامعه است (Monahan, 1999: p.430). بنابراین شایسته است جامعه نسبت به آن ضمانت اجرای متناسب را پیش بینی نماید. گروهی از حقوق‌دانان به مصونیت قضاات در امر قضاوت معتقدند. اما در پاسخ به این گروه باید اظهار داشت که مقامات و نهادهای متصل به اقتدار عمومی همیشه در معرض خطا و سوء استفاده از اختیارات خود قرار دارند. با پذیرش چنین فرضی منطقی باید به پذیرش اصل مسئولیت درباره این مقامات و نهادها و عدم مصونیت آنها تن داد (گرگی ازندریانی، ۱۳۹۶: ۱۵۴). در کنار دکترین مصونیت قضایی که به شدت از قضاات در برابر مسئولیت حقوقی محافظت می کند، اقدامات محدودی از پاسخگویی قضایی نیز که به حفظ یکپارچگی و کارایی سیستم حقوقی کمک می کند (Ibid: p.439) می بایست، تنظیم و اجرا گردد و جامعه قضاات را از طرق مختلف در برابر مردم مسئول بداند.

در بحث ضمانت اجرای کیفری ابتدا باید توجه داشت که جرایم عمومی قضاات از جمله اختلاس، اعمال نفوذ، جعل یا هر جرم دیگری در قوانین که از طرف شخص قاضی ارتکاب یابد، برای او مسئولیت کیفری به همراه دارد، حتی زمانی که آن جرایم را در ارتباط با محیط دادگاه و غیر از امر قضاوت و دادرسی مرتکب شوند، چراکه نظام حقوقی دریافته است که مصونیت قضاات از مسئولیت کیفری می تواند خطری بسیار بزرگ برای منافع عمومی در اجرای قانون باشد. استثنای محدود این قاعده این است که قانون قضاات را در قبال اعمال نادرست قضایی که با حسن نیت انجام شده اند، مسئول کیفری نمی داند. بنابراین برخی از جلوه های تعاملات فاسد فی النفسه جرم بوده و در قوانین کیفری نسبت به جرم انگاری و پیش بینی ضمانت اجرای کیفری برای آنان اقدام شده است. لیکن بحث مهم در این

زمینه این است آیا صرف صدور یک حکم یا تصمیم غیر قانونی و مبتنی بر یک سوءرفتار فاسد در قانون جرم بوده و قابل پیگیری می باشد؟ آیا رفتار مجرمانه ای تحت عنوان کلی صدور حکم یا تصمیم غیرقانونی از طرف مقامات، برخلاف اختیارات و وظایف آنان در قوانین، پیش بینی شده است؛ پاسخ به این پرسش براساس قوانین کشورهای مختلف می تواند، متفاوت باشد. بنابراین علاوه بر اینکه در صورتی که سوءرفتار و تعامل فاسد ارتکاب یافته، یک جرم کیفری عمومی باشد، می تواند تحت همان عنوان منتج به تعقیب و محکومیت شخص مرتکب گردد، در خصوص جرم خاص صدور حکم یا تصمیم غیرقانونی و ناعادلانه نیز برخی از کشورها نسبت به اعمال ضمانت اجرای کیفری اقدام نموده اند. مجازات کیفری برای احکام غیرقانونی عمدی لزوماً برخلاف استانداردهای جهانی نیست، اما تنها تعداد کمی از کشورهای مورد بررسی در این مطالعه از این نوع مسئولیت استفاده می کنند. «برخی کشورها بدون ایجاد جرم خاص، از روش هایی برای تحت تعقیب قرار دادن قضاات استفاده می کنند، مانند جرم انگاری پیامدهای تصمیم گیری ناعادلانه (مانند بازداشت غیرقانونی یا مصادره غیرقانونی اموال) یا جرم انگاری انگیزه های غیرقانونی (مانند دریافت رشوه). این روش ها مناسب تر هستند، زیرا ابهام کمتری دارند و از سوءاستفاده جلوگیری می کنند و به طور مشخص دارای عناصر قانونی هستند» (Clementucci & Dzehtsiarou, 2021 : p.4). به نظر می رسد که جرم انگاری احکام غیرقانونی عمدی در تفسیر قانون یا حقایق پرونده، باید آخرین راه حل باشد. قانون گذار باید این نکته را مدنظر داشته باشد که هیچ شکل دیگری از مسئولیت برای رسیدگی به این موارد کافی نیست و اعمال مجازات کیفری باید تأثیر بازدارنده ای بر متخلفان بالقوه داشته باشد، بدون اینکه ابزاری غیرضروری برای اعمال فشار بر قضاات ایجاد کند. علاوه بر این، این مجازات ها نباید باعث شوند که افراد شایسته از ورود به حرفه قضاوت منصرف شوند. از ابتدا باید روشن شود که اشتباهات غیرعمدی یا تفسیرهای معقول از قوانین نباید تحت تعقیب کیفری قرار گیرند. در این قسمت ابتدا به مطالعه تطبیقی از نظام حقوقی دیگر کشورها و ضمانت اجرای کیفری موجود در آنها برای این نوع سوءرفتارها پرداخته سپس موضع نظام حقوقی کشور ایران را در خصوص موضوع امر تشریح خواهیم نمود.

۱-۳. ضمانت اجرای کیفری صدور عامدانه حکم غیر قانونی قضات در قوانین کشورهای اروپایی:

در یک گزارش که در نوامبر ۲۰۲۰ در چارچوب پروژه شورای اروپا با عنوان « نظام عدالت کیفری منطبق با حقوق بشر در اوکراین» تهیه شده است^۱ که بخشی از برنامه اقدام شورای اروپا برای اوکراین ۲۰۱۸-۲۰۲۱ محسوب می‌شود ۶ کشور فرانسه، ایتالیا و اسپانیا و انگلستان و ولز، مولداوی و لهستان در خصوص مسئولیت کیفری قضاتی که عمداً حکم ناعادلانه صادر می‌نمایند را مورد بررسی قرار داده است. در واقع هدف این مطالعه بررسی نحوه تطبیق کشورهای مختلف اروپایی با دوراهی بین مصونیت قضایی و استقلال قوه قضاییه از یک‌سو، و ضرورت جلوگیری از احکام غیرقانونی عمدی و ترویج پاسخگویی قضایی از سوی دیگر است که با توجه به قوانین کشورهای اروپایی مشخص گردیده است که کشورهای مذکور در خصوص شناسایی مسئولیت کیفری قضات فاسد در صورت صدور حکم ناعادلانه وحدت موضع و رویکرد واحد ندارند و برخی کشورها، مانند انگلستان و ولز، پاسخ این پرسش «خیر» بوده مگر اینکه قاضی مرتکب یک جرم عمومی شود که در قوانین کیفری پیش‌بینی شده باشد، مانند دریافت رشوه^۲ و یا در کشور فرانسه که فقط در صورتی که قاضی مرتکب جرم عمومی شود، مانند هر شهروند و مقام دولتی دیگری، تحت پیگرد کیفری قرار می‌گیرد. همچون جرم سوء استفاده از اختیارات (ماده ۴-۴۳۲ قانون جزا) و اختلاس و تصرف اموال (ماده ۱۵-۴۳۲ قانون جزا) و همچنین جرایمی که به دلیل اشتغال به شغل قضاوت در قانون پیش‌بینی شده است؛ مثل فساد فعال یا غیرفعال قاضی که در ماده ۹-۴۳۴ از قانون جزای فرانسه پیش‌بینی شده و یا جرم استنکاف از احقاق حق^۳ که

^۱ Clementucci, F., & Dzehtsiarou, K. (2021). *Criminal responsibility of judges for unjust judgments: Comparative paper*. Prepared within the framework of the Council of Europe Project "Human Rights Compliant Criminal Justice System in Ukraine," part of the Council of Europe Action Plan for Ukraine

^۲ به عنوان مثال، ماده ۲ قانون مبارزه با رشوه‌خواری ۲۰۱۰ تصریح می‌کند: یک شخص در صورتی که یکی از موارد زیر را انجام دهد، مرتکب جرم خواهد شد: ۱. در صورتی که شخص درخواست، توافق برای دریافت یا پذیرش مزایای مالی یا غیرمالی را با هدف انجام نادرست وظایف خود داشته باشد. ۲. در صورتی که شخص این مزایا را درخواست کند، بپذیرد یا توافق کند و همین اقدام موجب انجام نادرست وظایفش شود. ۳. در صورتی که شخص این مزایا را به‌عنوان پاداش برای انجام نادرست وظایف خود دریافت کند.

^۳ ماده ۷-۴۳۴-۱ قانون جزا فرانسه

در صورت ارتکاب آن، قاضی مرتکب به مجازات ۷۵۰۰ یورو جریمه نقدی و ۵ تا ۲۰ سال ممنوعیت از انجام وظایف خود محکوم خواهد شد.^۱ در مقابل، کشورهایمانند مولداوی، ایتالیا و اسپانیا، رویکردی سخت‌گیرانه اتخاذ کرده‌اند که در آن احکام غیرقانونی عمدی می‌توانند مشمول مجازات کیفری شوند. در ذیل به تفکیک نسبت به بررسی قوانین برخی از کشورهای اروپایی که این عمل را جرم انگاری خاص نموده‌اند، می‌پردازیم؛

۱-۱-۳. ایتالیا:

در ایتالیا قضاات که مرتکب جرایم عادی می‌شوند، مانند سایر شهروندان و مقامات دولتی مشمول مسئولیت کیفری هستند. بنابراین در صورتی که تعامل انجام یافته مصداق جرایم عادی باشد؛ طبق قوانین مربوطه مسئولیت کیفری محقق و ضمانت اجرای ناشی از آن اعمال خواهد شد. لیکن مسئولیت کیفری قضاات برای احکام غیرقانونی عمدی، طبق ماده ۳۱۹ مکرر^۲ تحت عنوان «فساد در اقدامات قضایی» قابل پیگیری است. این ماده چنین تصریح می‌دارد؛ هرگاه اعمال مندرج در ماده ۳۱۸ یا ۳۱۹ (یعنی فساد ساده یا فساد برای عمل خلاف قانون) به منظور تأثیرگذاری بر نتیجه یک دعوی حقوقی، کیفری یا اداری انجام شود — به‌گونه‌ای که به نفع یا ضرر یکی از طرفین باشد — مجازات آن حبس از شش تا دوازده سال است. اگر محتوای رای یا اقدام قضایی عملاً دچار تحریف شود، مجازات شدیدتر و حبس از شش تا چهارده سال در نظر گرفته می‌شود. در این مورد، اصول حمایت شده، اصل بی‌طرفی قضاات و انجام صحیح وظایف قضایی است. در خصوص تصمیم ناعادلانه مقصود (ذهن مجرم) صرفاً تصمیم ناعادلانه عمدی نیست، بلکه هدف، نفع یا آسیب رساندن به یک طرف دعوی بر خلاف قانون آیین دادرسی کیفری، مدنی یا اداری است. علاوه بر این، باید وعده یا مبادله رشوه (اعم از پول یا منفعت دیگر، خیر یا منفعت) صرف نظر از وقوع نتیجه مثبت یا منفی برای یک طرف وجود داشته باشد.^۳ در کشور ایتالیا شورای عالی قضایی بیان می‌کند که مسئولیت کیفری قضاات باید تنها در

^۱ در قوانین کیفری کشور لهستان نیز هیچ ماده‌ای وجود ندارد که قضاات را به دلیل احکام غیرقانونی عمدی مجازات کند، اما قضاات می‌توانند در قبال جرایم عمومی مانند گرفتن رشوه، اختلاس و تصرف غیرقانونی مسئول باشند.

^۲ Italian Penal Code. Article. 319-ter

^۳ Italy. (2014). Self-assessment report on implementation and enforcement of G20 commitments on foreign bribery. G20 Anti-Corruption Working Group

صورت عمدی بودن رفتار و ایجاد خسارت واقعی اعمال شود. شورای عالی قضات^۱ تصریح می کند که برای داشتن مسئولیت کیفری و اداری برای قضات، ۳ عنصر باید وجود داشته باشد: (۱) قاضی عمداً یا با سهل انگاری فاحش عمل کرده است. (۲) فردی متحمل آسیب ناعادلانه شده است و (۳) پیوند بین عنصر ۱ و ۲. این امر فقط مختص قضات و دادستان ها نیست. همچنین شامل مقامات دولتی (از جمله کارکنان اداری دادگستری) است که از طریق عملکرد فاسد خود (مثلاً گزارش یا اظهارات جعلی)، بر نتیجه یک دادرسی (کیفری، مدنی یا اداری) تأثیر می گذارند؛

۲-۱-۳. مولداوی:

در قوانین کشور مولداوی مسئولیت کیفری قضات در ماده ۳۰۷ قانون جزایی مولداوی بدین صورت پیش بینی شده است (Shepitko, 2017: p.112) که در صورت؛

۱. صدور حکم، قرار، تصمیم یا مجازات عمدی توسط قاضی، به جزای نقدی از ۶۵۰ تا ۱۱۵۰؟ یا به حبس تا ۵ سال در هر دو مورد با محرومیت از حقوق و حق تصدی پست های معین یا انجام یک فعالیت خاص برای مدت حداکثر ۵ سال محکوم می شود.
۲. همین عمل: مربوط به اتهام ارتکاب جرم سنگین، فوق العاده شدید که منجر به عواقب سنگین شود، « به حبس از ۳ تا ۷ سال با سلب حق تصدی مناصب یا اعمال خاص و محرومیت از فعالیت برای مدت حداکثر ۵ سال».

دادگاه قانون اساسی مولداوی با توجه به ماده ۳۰۷ قانون جزا، موضوع این جرم را بررسی و تصریح کرد: «قانون با درج عبارت «عامدانه و آگاهانه» در ماده ۳۰۷ قانون مجازات، صراحتاً مسئولیت کیفری قضات را برای این جزء مجرمانه، منحصرأ در صورت اثبات قصد صدور حکم، قرار، تصمیم صادره بر خلاف قانون، پیش بینی کرده است. دادگاه قانون اساسی در ادامه تصریح کرد: « مسئولیت کیفری قاضی به موجب ماده ۳۰۷ قانون جزا صرفاً با تفسیر دقیق و تنها بر اساس قرائن غیر قابل انکار که قصد قاضی در صدور حکم قضایی بر خلاف قانون را ثابت می کند، با اصل استقلال قاضی سازگار است».^۲

¹ Consiglio superior della Magistratura یا CSM

² See: <https://www.constcourt.md/libview.php> . News. Criminal-Liability-of-Judges-Arising-from-a-Wilful-Rendering-of-an-Illegal-Decision-Constitutional.2017/03/28

۳-۱-۳. اسپانیا:

در کشور اسپانیا طبق قانون اساسی، قضات در برابر قانون مسئول اعمال خود هستند. قضات در صورت صدور احکام غیرقانونی عمدی (با اراده یا سهل انگاری^۱) می توانند از نظر کیفری مسئول شناخته شوند. قانون اداره دولتی^۲ تصریح می دارد که مقامات دولتی و قضات مانند هر شهروند دیگری دارای مسئولیت کیفری هستند. قانون جزا این کشور، مسئولیت کیفری را در موارد ذیل برای قضات تعیین می کند:

الف) صدور عامدانه حکم یا تصمیم ناعادلانه (مطابق ماده ۴۴۶ قانون جزا).

ب) صدور حکم یا تصمیم آشکارا ناعادلانه به دلیل بی احتیاطی شدید یا جهل غیرقابل توجیه، (مطابق ماده ۴۴۷ قانون جزا)

ج) امتناع از احقاق حق (رسیدگی به دعوا) (طبق ماده ۴۴۸ سابق قانون جزا) یا

د) تأخیر سوء و ناموجه در اجرای عدالت (ماده ۴۴۹ سابق قانون جزا)^۳

در قانون جزا اسپانیا ارکان مسئولیت کیفری قضات که عمداً احکام غیرقانونی صادر می کنند؛ عبارتند از:

۱. عنصر مادی: تصمیم ناعادلانه یا غیرقانونی: اصطلاح «ناعادلانه» یا «غیرقانونی» برای تصمیمات قضایی و اداری، به معنای تصمیمی است که آشکارا مغایر با قانون است و بنابراین از نظر قانونی غیرقابل توجیه است.

۱ مواد ۴۴۶ و ۴۴۷ قانون جزا اسپانیا

² The law on public administration

³ علاوه بر این، قانون کیفری اسپانیا جرایم مقامات دولتی را نیز در موارد ذیل مقرر داشته است:

الف) مقامات دولتی: الف) (ماده ۴۰۴) برای اتخاذ عامدانه تصمیم اشتباه یا خودسرانه مجازات سلب صلاحیت را مقرر نموده است. ب) (ماده ۴۳۹) برای سوء استفاده از هر نوع قرارداد یا فعالیت تجاری که کارمند دولتی به دلیل سمت رسمی خود در آن شرکت داشته است، مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و جزای نقدی (از دوازده تا بیست) است و رد صلاحیت از مشاغل دولتی.

ب) قضات و دادستان:

الف. (ماده ۵۲۹) برای قاضی که دعوی را به مرجع غیر صلاحیتدار می دهد، مجازات، سلب صلاحیت خاص پیش بینی نموده است. ب. (ماده ۵۳۰) قاضی که با نقض مهلت یا حقوق مقرر در قانون اساسی قرار بازداشت شخص را صادر یا آن را تمدید کند از اشتغال به شغل دولتی محروم می شود. ج. (ماده ۵۳۱) قاضی که با نقض شرایط یا سایر ضمانت های قانونی، حکم یا تمدید سلول انفرادی بازداشت شده، زندانی یا محکوم را صادر کند، از شش ماه تا دو سال محروم می شود. د. (ماده ۵۳۲) در صورتی که جرایم فوق با سهل انگاری شدید واقع شود، قاضی از شش ماه تا دو سال تعلیق می شود.

۲. عنصر روانی: اراده یا سهل انگاری فاحش: قاضی قضاوت کننده باید با آگاهی کامل از ماهیت ناعادلانه تصمیمی که صادر می کند، عمل کند. این بدان معناست که او "عمدا" (ماده ۴۴۶ سابق قانون جزا) یا "با سهل انگاری فاحش" (ماده ۴۴۷ سابق قانون جزا) عمل می کند.^۱

شایان ذکر می باشد نوع مسئولیت و مجازات اعمال شده به عوامل زیر بستگی دارد: الف) عنصر روانی ب) نوع قربانی (محکوم به جرم سنگین یا سبک ج) نوع رسیدگی (کیفری یا غیر آن)

د) اجرا یا عدم اجرای حکم یا تصمیم صادره. (Vorobchak & Nalutsyshyn & Nalutsyshyn, 2020)

۴-۱-۳. اوکراین

احکام، تصمیمات، دستورات عمداً ناعادلانه قضات در اوکراین طبق ماده ۳۷۵ قانون کیفری اوکراین «جرم با درجه متوسط» (غیر جدی) پیش بینی شده است و در آن مرتکب به حبس تا پنج سال یا حبس از دو تا پنج سال محکوم می شود. شرایط تشدید کننده (علائم) مانند ایجاد عواقب جدی، انگیزه سودآور یا سایر منافع شخصی قاضی می تواند این جرم را به جرمی جدی تبدیل کند. در این صورت مرتکب به حبس از پنج تا هشت سال محکوم می شود. طبق آمار دفتر دادستان کل اوکراین در سالهای ۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، (Shepitko, 2017: p.210)؛ بررسی پرونده کیفری مطابق با این ماده آغاز شد. که

^۱ نوع، میزان یا مدت جرمی ها به شرح زیر است:

الف) در صورت صدور آگاهانه حکم یا مجازات ناعادلانه (مطابق ماده ۴۴۶ قانون جزا)

۱. برای مجازات ناعادلانه در پرونده کیفری سنگین: حبس (از ۱ تا ۴ سال. در صورت اجرای حکم، حبس از ۲ تا ۴ سال) به اضافه جزای نقدی (۱۲ تا ۲۴ ماه). در هر دو مورد، ممنوعیت اشتغال مطلق از مشاغل دولتی (برای ۱۰ تا ۲۰ سال) برای مجازات ناعادلانه در پرونده کیفری جزئی: جریمه نقدی (۶ تا ۱۲ ماه) و محرومیت از مشاغل دولتی (۶ تا ۱۰ سال) برای سایر تصمیمات ناعادلانه: جریمه نقدی (از ۱۲ تا ۲۴ ماه). ممنوعیت اشتغال به مشاغل دولتی (از ۱۰ تا ۲۰ سال) در صورتی که اشتباه حکمی آشکارا ناعادلانه را صادر کند: ممنوعیت اشتغال به مشاغل دولتی (از ۲ تا ۶ سال) ج) در صورت امتناع از قضاوت (ماده ۴۴۸ سابق قانون جزا): ممنوعیت اشتغال به مشاغل دولتی (از یک ماه تا چهار سال) د) در موارد تأخیر سو و غیرموجه عمدی اجرای عدالت: رد صلاحیت ویژه از مشاغل دولتی (از یک ماه تا ۴ سال)؛ در صورتی که «تأخیر منتسب به مقامی غیر از قاضی باشد» به نصف کاهش یابد.

بر اساس آمار ثبت تصمیمات دادگاه در دوره ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷، ۱۲ حکم صادر شده است که از آن ۱۱ حکم محکومیت و ۱ - حکم برائت برای قاضی متخلف بوده است.^۱ برای محکوم کردن قاضی به مسئولیت کیفری طبق ماده ۳۷۵ قانون کیفری اوکراین، دادگاه باید گناه او را در قالب قصد مستقیم احراز کند. یعنی باید ثابت کنند که قاضی در حین تنظیم، امضا و یا صدور حکم، متوجه بوده که عمل حقوقی (تصمیم) ناعادلانه است. (Kozak, 2013) در خصوص اعمال ضمانت اجرای کیفری نسبت به قضات در کشورهای فوق الذکر می بایست به این نکته اشاره کرد که با توجه به وجود مصونیت قضایی قضات و خدشه به اصل استقلال قضایی تقریباً در بسیاری از کشورهای فوق تعقیب قضات دارای رویه خاص بوده و معمولاً پس از طی تشریفات مربوطه انجام می گیرد. مثلاً در لهستان: همه قضات مصونیت دارند و طبق ماده ۸۰ قانون محاکم عمومی، قاضی را نمی توان بدون اجازه دادگاه صالح انتظامی بازداشت یا مسئول کیفری دانست یا در مولداوی؛ بر اساس ماده ۱۹ قانون وضعیت قاضی^۲، قاضی نباید در قبال نظرانی که در دادگستری اظهار داشته و در قبال احکامی که صادر کرده است، مسئول باشد، مگر اینکه به موجب حکم قطعی مرتکب سوء استفاده کیفری شده باشد. طبق قانون آیین دادرسی کیفری، یک قاضی فقط توسط دادستان کل با موافقت شورای عالی دادرسی (SCM) قابل تعقیب کیفری است. در ایتالیا؛ قضات نیز مانند هر شهروند و مقام دولتی دیگری دارای مسئولیت کیفری هستند. با این حال، به منظور رفع هرگونه تضاد منافع (بالفعل، بالقوه یا تصور شده) برای یک قاضی که توسط همکاران منطقه او محاکمه و قضاوت می شود، رسیدگی باید در حوزه قضایی متفاوت از حوزه ای که قاضی متهم آنجا اشتغال دارد، انجام شود (Szuleka & Kalisz, 2019: p.10)

^۱ همچنین می توان به قوانین دیگر کشورهای اروپایی نیز اشاره کرد همچون جرم محاکمه غیرقانونی، جزئی و غیر عادلانه مقرر در ماده ۲۸۸ قانون جزایی جمهوری اسلواکی. «صدور احکام و تصمیمات غیرقانونی» - در ماده ۲۹۱ قانون کیفری لتونی. «گرفتن آگاهانه تصمیم غیرقانونی توسط قاضی» - در ماده ۳۱۱ قانون مجازات استونی. «صدور حکم، تصمیم ناعادلانه» - در ماده ۲۳۱ قانون جزایی جمهوری ازبکستان؛ «مجازات ناعادلانه» - در ماده ۳۱۵ قانون کیفری جمهوری آلبانی؛ «صدور حکم، تصمیم، حکم یا حکم برخلاف قانون» - «صدور حکم غیر عادلانه عملی، تصمیم دادگاه یا سایر اعمال قضایی» - ماده ۸۲؛ قانون جزا جمهوری ارمنستان

2. Law on the Status of Judge

۲-۳. ضمانت اجرای کیفری تعاملات فاسد قضات در نظام حقوقی ایران:

با توجه به اینکه بسیاری از جلوه‌های تعاملات فاسد منجر به نقض اصول دادرسی و در واقع با هدف آن انجام می‌پذیرد و با توجه به اهمیت اصول دادرسی عادلانه و اجرای عدالت در نظام حقوقی ایران، برخی از این سرفتاها و جلوه‌ها به دلیل عدم رعایت اصول بنیادین در رسیدگی‌ها، میتواند مسئولیت کیفری را برای قضات یا کارکنان غیر قضایی به دنبال داشته باشد، چرا که نقض این اصول در برخی از مصادیق آن با توجه به جلوه‌های تعاملات فاسد، به مفهوم تحقق رفتار مجرمانه ای قلمداد میشود که از سوی قانون گذار جرم انگاری و دارای ضمانت اجرای کیفری دانسته شده است. بنابراین در نظام حقوقی ایران تعیین مجازات برای عدول از اصول دادرسی عادلانه که ناشی از تعاملات فاسد میان کنشگران قضایی و شخص ذی‌نفع بوده، بیانگر اهمیت آنها در سیاست کیفری و تلاش قانون گذار برای حمایت کیفری از آنهاست که این حمایت از طریق زرادخانه کیفری حقوق جزا صورت می‌پذیرد. بنابراین برخی جلوه‌های تعاملات فاسد مصداق جرم عمومی بوده و در صورت ارتکاب آن توسط مقامات دادگستری، این اشخاص نیز همچون اشخاص عادی نسبت به ارتکاب آن، می‌توانند؛ مسئولیت کیفری داشته باشند. لیکن مبحث مهم در حقوق ایران؛ یافتن پاسخ برای این سوال می‌باشد آیا در نظام حقوقی ایران صدور حکم ناعادلانه از روی عمد و سوء نیت مبتنی بر فساد، می‌تواند منجر به مسئولیت کیفری برای قضات صادر کننده یا اشخاص دخیل در آن گردد و به عبارت دیگر آیا برای این اقدام در قانون مجازات ایران جرم انگاری و ضمانت اجرا پیش‌بینی شده است یا خیر. بنابراین در این بخش ابتدا به جرم انگاری موردی جلوه‌های خاص تعاملات فاسد در قوانین جاری ایران که مصداقی از جرایم عمومی می‌باشند، پرداخته و سپس در خصوص پیش‌بینی مسئولیت کیفری قضات و اشخاص ذی‌مدخل در صورت صدور یک تصمیم یا حکم خلاف قانون و مبتنی بر تعاملات فاسد در نظام حقوقی ایران می‌پردازیم.

۱-۲-۳. جرم انگاری موردی جلوه‌های تعاملات فاسد قضات:

جلوه‌ها و مصادیق تعاملات فاسد منجر به نقض اصول دادرسی و روند معمول یک رسیدگی منصفانه برای شخص تعامل کننده می‌شوند که در قوانین موجود در نظام عدالت کیفری

ایران برای برخی از این مصادیق، جرم انگاری و ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده است.

۱-۲-۳. عدم ثبت و ارجاع پرونده توسط مقام قضایی:

«دادخواهی حق مسلم هر فرد است» و تضمین این حق و اصل دسترسی به مرجع قضایی ایجاب می‌نماید؛ جریان رسیدگی و حق دادرسی اشخاص، به‌ویژه در رسیدگی‌های کیفری و تحقیقات مقدماتی مراجع قضایی که با تهدید حقوق و آزادی‌های شهروندان مواجه می‌شویم، با تدابیر مختلفی از جمله سازوکارهای کیفری مورد حمایت قرار گیرد. از این رو است که از یکسو، ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ عدم قبول شکایت یا رسیدگی و حتی صدور حکم و به طور کلی، رفتار برخلاف صریح قانون را قابل مجازات دانسته و از این طریق حقوق شکات و بزه‌دیدگان و اصول مربوط به آنان را تضمین نموده است. در این راستا، اصل دسترسی شهروندان به مرجع قضایی و سلب این حق از آنان موجب توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. در مواد ۵۷۲، ۵۷۴ و حتی ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، عدم اعلام تظلم و دادخواهی اشخاص به مقامات ذی صلاح، ممانعت یا خودداری از رسانیدن تظلمات محبوسین به مقامات صالح و به طور کلی عدم استماع شکایات و تظلم خواهی اشخاص، جرم انگاری شده است. عدم ثبت شکایات اشخاص و در واقع رد آن توسط مقام قضایی صالح در بدو امر و در مرحله دادسرا و به جهت وجود یک توافق بر این امر می‌تواند باشد. در واقع دادستان به استناد ماده ۶۹ ق.آ.د.ک مکلف است؛ شکایت کتبی و شفاهی اشخاص را همه وقت قبول نماید و همچنین به استناد ماده ۸۹ قانون مذکور نیز شروع به تعقیب توسط بازپرس منوط به ارجاع دادستان است. همان‌گونه که مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ وکیل دادگستری بیان نمودند: «موکل من به همراه چندین نفر با مشروبات الکلی توسط ضابط دستگیر و به کلانتری تحویل داده شده بودند که با مراجعه خانواده ایشان و درخواست ایشان از دادستان جهت مساعدت، این مقام محترم دستور تنظیم صورت جلسه جدید را صادر و از ضابط نیز خواسته بود نام شخص مربوطه را از اسامی متهمین حذف نماید که با تنظیم صورت جلسه جدید و فقدان نام ایشان، تعقیب علیه این شخص در بدو امر منتفی و اساساً شکل نگرفت.» همچنین در این خصوص تجربه مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ سرهنگ نیروی

انتظامی نیز قابل ذکر می باشد بدین مضمون که « ضابط قضایی بدون دستور تحقیق از طرف مقام قضایی در خصوص یک شخص، اختیار تحقیق را ندارد... در پرونده ای که در آن ۵ نفر متهم وجود داشت و یکی از این اشخاص از مقامات اجرایی شهر بود، دادستان در دستور تحقیق به ضابطان صرفاً نام ۴ نفر را ذکر و اسمی از این مقام نیاورده بود». بنابراین در صورتی که دادستان از ثبت و ارجاع شکایت امتناع نماید؛ تمسک به ماده فوق و عنوان مجرمانه عدم ثبت شکایات در خصوص این سوء رفتار ممکن و میسر می باشد.

۲-۱-۲-۳. اطلاع دادرسی و نقض مهلت معقول:

احقاق حق و دادخواهی در صورتی می تواند رضایت عموم را فراهم آورد که دچار کندی و اطلاع نشود. حقی که به سرعت برای ذی حق اثبات و مستقر نشود، چه بسا بی ارزش و بی اعتبار شود. بنابراین، از یکسو، اقتدار و اعتبار عدالت و دادگستری و اعاده فوری نظم دچار اختلال و از سوی دیگر، تأمین آسایش و امنیت روانی و قضایی شهروندان ایجاب می نماید، اصل بنیادین تسریع در رسیدگی و رعایت مهلت معقول و عادلانه در دادرسی مورد احترام قرار گیرد. به همین علت، تأخیر بی دلیل و غیرموجه در رسیدگی و احقاق حق پذیرفته نیست و ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در مقام حمایت از این اصل بنیادین متذکر می شود «چنانچه هریک از دارندگان پایه قضائی از قبول یا رسیدگی به شکایات امتناع نموده یا صدور حکم را بر خلاف قانون به تأخیر انداخته یا بر خلاف صریح قانون رفتار نمایند؛ علاوه بر مجازات حبس و انفصال دائم از شغل قضائی در صورت ایراد خسارت به جبران خسارت وارده به افراد نیز محکوم می شوند». بدیهی است این مقرر قانونی هر چند از صدور حکم سخن به میان آورده است، در برگیرنده مقدمات آن اعم از تعقیب، تحقیق، صدور قرار و محاکمه نیز خواهد بود (حجتی ۹۹۳: ۱۳۸۴). در خصوص پرونده ای که مصاحبه شونده شماره ۱۷ سرهنگ نیروی انتظامی مثال می زند، قابل ذکر می باشد؛ «در یک پرونده ما از متهمی مقادیری سنگ طلا گرفته بودیم، طبق روال قانونی متهم را با طلاهای کشف شده تحویل دادسرا دادیم، این شخص در دادسرا با نفوذ به بازپرس پرونده و تعاملاتی که انجام شد از ثبت سیستمی پرونده جلوگیری نمود. همین پرونده ۶ سال است که به طور فیزیکی در همان شعبه بازپرسی است، اما هنوز ثبت سیستمی نشده است»

۳-۱-۲-۳. نقض اصل بی طرفی:

ماده ۶۰۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده): هر یک از مامورین ادارات و موسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از روی غرض و بر خلاف حق درباره یکی از طرفین اظهارنظر یا اقدامی کرده باشد به حبس تا سه ماه یا مجازات نقدی تا ۱۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰ ریال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد. در جهت حمایت از مهم‌ترین اصل دادرسی عادلانه، یعنی اصل بی طرفی است. بنابراین نقض اصل بی طرفی از طرف قضاات به هنگام رسیدگی می‌تواند مشمول این ماده قرار گرفته و با توسل به آن مجازات شخص خاطی را درخواست نمود.^۱ لیکن آنچه در این خصوص اهمیت دارد؛ امکان اثبات نقض اصل بی طرفی است، با توجه به این امر که بی طرفی جنبه ذهنی نیز داشته که در بیشتر مواقع نمود ظاهری ندارد و در واقع ممکن است؛ شخص در ظاهر کاملاً بی طرف، اما در باطن با غرض ورزی در پی نقض حق برآید، لذا اثبات وجود این سوءنیت چندان راحت نبوده و امری دشوار است. یک پرونده مورد مطالعه با موضوع رفع مزاحمت از ملک که در آن شکات وارثان مالک اصلی بوده و علیه برخی از وارثان ملک مجاور طرح شکایت کیفری نموده بودند و در آن قاضی پرونده حکم به رفع مزاحمت علیه یکی از متهمین صادر نموده بود... در ادامه به دلیل عدم اجرای دادنامه و عدم رفع مزاحمت از طرف مشتکی عنهم سابق، مجدداً شکایتی علیه تمام وراث طرح می‌گردد... قاضی پرونده که همان دادرس رسیدگی کننده به پرونده قبلی بوده و با دریافت توصیه‌هایی از یکی از مقامات اجرایی شهر نسبت به صدور رای مغایر با رای اولیه اقدام می‌نماید. در پرونده مذکور ایراد رد دادرس از طرف وکیل شاکی مطرح شده بود لیکن قاضی به ایراد مطروحه اعتنایی ننموده بود. در نهایت شاکی پرونده مذکور نسبت به گزارش تخلف انتظامی و نقض بی طرفی از طرف قاضی مربوطه اقدام می‌نماید که منجر به محکومیت نامبرده به تنزل یک رتبه قضایی می‌گردد... رای صادر در زمان کتابت این رساله غیر قطعی بوده و از طرف قاضی پرونده نسبت به آن اعتراض شده است.

^۱ آنچه در اینخصوص اهمیت دارد؛ امکان اثبات نقض اصل بی طرفی است، با توجه به این امر که بی طرفی جنبه ذهنی نیز داشته که در بیشتر مواقع نمود ظاهری ندارد و در واقع ممکن است؛ شخص در ظاهر کاملاً بی طرف، اما در باطن با غرض ورزی در پی نقض حق برآید، لذا اثبات وجود این سوءنیت چندان راحت نبوده و امری دشوار می‌باشد.

۴-۱-۲-۳. جعل و تحریف واقعیت و ادله موجود:

ماده ۵۳۴ ق.م.ا: برابر این ماده چنانچه قضات دادگستری در تحریر نوشته ها و قراردادهای راجع به وظایف خود مرتکب جعل مفادی (معنوی) شوند، علاوه بر مجازاتهای انتظامی و کیفری به جبران خسارت وارده به اشخاص نیز محکوم می‌شوند. همان‌گونه که بیان شد، مقامات قضایی می‌توانند با سوءاستفاده از اختیار خود به هنگام تحریر اظهارات اشخاص، با تغییر آن، موجبات ضایع نمودن حق شخص را فراهم نمایند. در یک پرونده مورد مطالعه که متهم آن قاضی ای با ۱۰ سال سابقه قضایی بود، در هنگام رسیدگی اظهارات شهود را خلاف آنچه اظهار داشته بودند، تحریر نموده و براساس آن رای صادر کرده بود. بدین صورت که در دعوی استرداد ۸ کیلو گرم طلای ۱۸ عیار، قاضی با تعامل با وکیل پرونده قرار استماع شهادت شهود را صادر و خواهان شهود خود را معرفی می‌نماید، لیکن علی‌رغم این که شهود در خصوص موضوع دعوی اظهاری نداشته اند، قاضی پرونده آنچه برای اثبات امر نیاز بوده را مکتوب، و به استناد شهادت شهود رای مقتضی صادر می‌کند. که این امر موجب شکایت شخص ذی نفع علیه قاضی به اتهام جعل مفادی شده بود که با تعلیق قاضی رسیدگی کننده توسط مرجع انتظامی، پرونده در زمان تحریر این تحقیق در دادگاه در حال رسیدگی بود.

۵-۱-۲-۳. از بین بردن اسناد و مدارک پرونده:

ماده ۶۰۴ ق.م.ا (تعزیرات): هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری نوشته‌ها و اوراق و اسنادی را که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آنها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. مطابق این ماده معدوم کردن، مخفی نمودن یا دادن نوشته‌ها، اوراق و اسنادی که حسب وظیفه به قضات سپرده شده است، به اشخاصی که از دادن به آنها ممنوع می‌باشند، علاوه بر مجازات حبس موجب محکومیت قاضی مذکور به جبران خسارت وارده نیز می‌شود. مصاحبه شونده شماره ۲ کارمند دفتری شعبه کیفری دادگستری چنین بیان می‌دارد: «در پرونده ای همکار بنده که به احداث ساختمان با شرایط غیرمجاز برای خود مشغول بود و متهم پرونده نیز فرزند یکی از مقامات اجرائی بالا در شهرداری بود، با اخذ قول مساعد در صدور پروانه مربوطه از پدر ایشان، سند مربوط به اظهار نظر شهود در پرونده را کند و با صحنه سازی و ریختن چند پرونده با اوراق زیاد در زمین اتاق ادعا نمود که این

برگه گم شده است. مقام قضایی مجدداً دستور استماع شهادت شهود را صادر نمود لیکن با تاثیری که این مقام شهرداری بر شهود داشت، نامبردگان از اظهار مطالب قبلی استنکاف نمودند و نهایتاً پرونده به دلیل فقد مستندات اثباتی، مختومه و حکم برائت صادر گردید». نکته ای که در رابطه با مواد فوق قابل ذکر است، این است که با توجه به اینکه خسارت موضوع مواد مذکور در اثر ارتکاب جرائم وارد می شود، با خسارت موضوع ماده ۳۰ ق. ن. ر. ق که ناشی از اشتباه یا تقصیر است، متفاوت بوده و ضرورتی به احراز عمدی بودن خسارت موضوع این مواد توسط دادگاه انتظامی قضات نیست. زیرا احراز اشتباه یا تقصیر موضوع ماده ۳۰ قانون مذکور صرفاً راجع به جبران خسارت توسط قضات در انجام وظایف حرفه ای است و خسارت موضوع مواد ۵۳۴، ۵۹۷ و ۶۰۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در رابطه با امر کیفری و پس از احراز وقوع جرم عمدی در مرجع کیفری صالح قابل مطالبه است. (احمدی فر و همکاران، ۳۳: ۱۳۹۷)

۶-۱-۲-۳. اخذ رشوه:

یکی از مصادیق بارز تعاملات فاسد و همچنین رکن رکین اغلب مصادیق این تعاملات بده بستان های مالی و مزایا مادی می باشد. مطابق ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی، هر یک از داوران، ممیزان و کارشناسان اعم از این که توسط دادگاه یا طرفین معین شده باشد، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم کند به حبس از ۶ ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم می شود. همچنین در صورتی که قاضی به واسطه ارتشا حکم به مجازاتی شدیدتر از مجازات مقرر در قانون داده باشند، علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به مجازات مقدار زائدی که مورد حکم واقع شده است، محکوم خواهند شد. این موضوع در ماده ۵۸۹ قانون مذکور مورد تأکید قانون گذار قرار گرفته است. در این خصوص ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری نیز مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری و ... را در صورت قبول مستقیم یا غیر مستقیم وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال در حکم مرتشی دانسته و برای آن مجازات تعیین نموده است. در یک پرونده مورد مطالعه، قاضی دادگاه کیفری به همراه منشی خود با اخذ چندین فقره رشوه از وجه نقد دستی که با ماشین حمل شده و به خدمتکار ایشان تحویل شده گرفته تا خودروهای لوکس که به نام بستگان نزدیک ایشان سند زده شده بود از اشخاص پرونده اخذ نموده و نسبت به صدور

حکم به نفع ایشان، اقدام نموده بودند. که در نهایت با توجه به شکایت های متعدد از طرف اشخاص متضرر و بررسی فعالیت این افراد توسط حفاظت اطلاعات دادگستری و نهایتاً دادسرای عالی انتظامی قضات، پرونده نامبردگان در دادسرای ویژه رسیدگی به جرایم کارکنان دولت مطرح و با صدور قرار جلب به دادرسی، در دادگاه نیز محکوم به دریافت رشوه و مجازات مقرر قانونی شد. همچنین در پرونده ای دیگر نیز قاضی رسیدگی کننده در دادگاه تجدیدنظر همراه منشی خود با اخذ مزایای مادی و غیر مادی، نسبت به صدور حکم به نفع متهم یک پرونده کلان (کلاهبرداری از اشخاص متعدد با فریب به اختیارات واهی) اقدام نموده بوده که در نهایت نقل و انتقال این وجوه به حساب منشی این مقام قضایی منجر به کشف این معاملات فاسد شد... لیکن در پرونده امر قاضی مورد نظر صرفاً از طرف معاونت ارزشیابی و معاونت پیشگیری قوه قضاییه مورد عتاب و سرزنش قرار گرفت و فقط منشی ایشان با توجه به طرح دعوی کیفری و اثبات آن در دادگاه صالحه، محکوم به اخذ رشوه و اعمال نفوذ و سواستفاده از اختیارات گردید.

۷-۱-۲-۳. اعمال نفوذ:

قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی علاوه بر تعیین مجازات برای افرادی که با ادعای اعمال نفوذ به مقامات مزیت یا نفعی برای خود تحصیل کنند، برای مقامات و مستخدمینی که نفوذ این اشخاص را در تصمیمات خود تاثیر دهند، نیز مجازات محرومیت از شغل دولتی برای دو الی پنج سال مقرر نموده است و همچنین در صورتی که اقدام یا تصمیم مزبور مستلزم تفویض حقی از اشخاص یا دولت باشد، محکوم به انفصال ابد از خدمات دولتی محکوم مگر آنکه این عمل مشمول قوانین دیگر جزایی باشد.^۱ در یک پرونده مورد مطالعه که مربوط به شرکت های بزرگ در زمینه پترو شیمی بود. گزارشی مبنی بر فساد ۲۸ نفر در این شرکت به دادسرای عمومی و انقلاب تقدیم می گردد، لیکن مقامات قضایی رسیدگی کننده به جهت اعمال نفوذ از طرف مقامات بالا و ایضاً دریافت وجه کلان، از ترتیب اثر دادن به این گزارش امتناع و در نتیجه آن را رد می نمایند. لیکن پس از این امر

^۱ ماده ۳ قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی ماده ۴ - هر وکیل عدلیه که به دعوی داشتن اعتبار و نفوذ در نزد مأمورین قضایی یا اداری یا حکم یا شهود و اهل خبره وجه یا مال یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالثی از موکل خود به عنوان این که باید به یکی از اشخاص مذکوره بپردازد یا مساعدت آنها را جلب کند تحصیل نماید یا وعده آن را قبول کند علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از یک سال الی سه سال محکوم خواهد شد.

مجدداً گزارشی در خصوص قضات این پرونده به دادسرای انتظامی تقدیم و این دادسرا به بازپرس شاغل در شهر مورد نظر ماموریتی مبنی بر تهیه گزارش در خصوص صحت و سقم موضوع امر می‌دهد که این بازپرس نیز با توجه به اعمال نفوذ و ایضاً اخذ مزایا، نسبت به تنظیم گزارش مبنی بر واهی بودن آن و عدم صحت موضوع، اقدام می‌نماید که پس از این امر با ارائه گزارشی از طرف پلیس امنیت نیروی انتظامی تهران (پاوا) پرونده مجدداً در دادسرا مطرح و با توجه به آشکار شدن موضوع و حساسیت آن، پرونده مورد بررسی و نهایتاً جرائم ارتکاب یافته محرز و مقامات قضایی خاطی نیز به مجازات مقرر محکوم می‌گردند. همچنین در پرونده دیگری که خود قوه قضائیه آن را رسانه ای کرده است، در آن فرزندان یکی از مقامات قضایی قوه قضائیه که سمت بالایی نیز داشته است، به جهت چندین فقره اعمال نفوذ و مشارکت در اخذ رشوه به ۱۷ سال و ۹ ماه حبس و پرداخت جزای نقدی محکوم شده است که از جمله این پرونده ها، پرونده ای بود که در آن شخص مذکور با اخذ ۱۴۰ میلیارد تومان و با اعمال نفوذ منجر به واگذاری یک ورزشگاه به یک ساز معروف شده بود.^۱

۳-۳- ضمانت اجرای کیفری صدور عامدانه حکم غیرقانونی مبتنی بر تعاملات فاسد قضات:

در جریان رسیدگی به یک دعوی از زمان ثبت پرونده تا صدور حکم و اجرای آن، تصمیمات متعددی از طرف مقامات قضایی اتخاذ می‌گردد که می‌تواند موقعیت اشخاص را از آنچه قانوناً شایسته آن هستند دور نموده و وضعیت پرونده را از مسیر درست خود منحرف سازد، از جمله صدور قرارهای تامین نامتناسب، صدور قرار کارشناسی و ارجاع به کارشناس از پیش تعیین شده، تجدیدجلسات دادرسی که منجر به اطاله آن شود، که همه این ها می‌تواند موجب نقض اصول دادرسی عادلانه و تغییر وضعیت قانونی شخص گردد. لیکن با توجه به این امر که تمام تصمیمات و قرارهای فوق برای اخذ حکم بوده و آنچه برای اشخاص اهمیت دارد؛ پیروزی در پرونده مورد نظر می‌باشد، لذا لزوم پیش‌بینی مسئولیت کیفری نیز برای صدور احکامی است که قاطع دعوا بوده و لازم الاجراست و با صدور آن پرونده مختومه می‌گردد.^۲ همچنین منظور از حکمی که امکان پیش‌بینی مسئولیت

^۱ بنگرید به: <https://www.hamshahrionline.ir/news/838140> (تاریخ بازدید ۱۴۰۳/۱۰/۱۱)

^۲ البته در قانون آیین دادرسی طرق فوق العاده همچون اعاده دادرسی موضوع مواد ۴۷۴ و ۴۷۷ برای نقض احکام قطعی صادره پیش‌بینی گردیده است.

کیفری برای صدور آن متصور است؛ حکمی است که خلاف قانون و خلاف شرایط و اوضاع احوال مسلم قضیه بوده و به صورت عمدی و آگاهانه به جهت انجام تعاملات فاسد صادر شده باشد. بنابراین با توجه به آنچه که در تعریف تعاملات فاسد و اهداف آن ذکر گردید؛ احکامی که با تعامل با اشخاص و صرفاً برای رعایت عدالت و جلوگیری از نقض آن صادر شده و به نوعی اخاذی مقام قضایی از طرفین جهت انجام وظیفه خود بوده (Ayers, 1997: p.1234)، و علی‌رغم وجود تعاملات فاسد، صحیحاً صادر شده باشد، با توجه به قانونی بودن آن (هرچند ناشی از تعامل فاسد) از موضوع مبحث پیش رو خارج می باشد.

در خصوص جرم بودن صدور حکم ناعادلانه توسط قضات در برخی از کشورهای اروپایی مطالبی ذکر گردید. لیکن در خصوص نظام حقوق کیفری ایران با توجه به قوانین کیفری جاری چنین عملی جرم انگاری نگردیده و متعاقباً مجازاتی نیز برای آن متصور نمی باشد. لیکن در برخی از مواد قانونی، وجود اصل تقصیر یا عمد قاضی در صدور حکم مورد پذیرش واقع و برای جبران آن ضمانت اجرایی پیش‌بینی گردیده است که در ذیل به بررسی این مواد قانونی می پردازیم؛

۱-۳-۳- اصل ۱۷۱ ق.ا: پیش‌بینی مسئولیت برای تصمیم اشتباه اتخاذ شده از طرف قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی آمده است، این اصل مقرر میدارد: « هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد، باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود». در این اصل قاضی در صورت تقصیر (در مفهوم اعم خود) طبق موازین اسلامی ضامن دانسته شده است. صرف نظر از مفهوم تقصیر در این اصل^۱ با توجه به این امر که فعل یا ترک فعل ناشی از تعاملات فاسد به صورت عمدی و

^۱ نگاه کنید به: داورنیا، رحیم، (۱۳۸۵)، «مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایتالیا، فرانسه، ایالت متحده آمریکا و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش. ۷۵، صص ۱۳۵-۱۴۸. سلطانی نژاد، هدایت الله، (۱۳۷۶)، «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایران و فقه امامیه و سیستم های حقوقی بیگانه»، فصلنامه مفید، دوره ۳، ش. ۱۱. صالحی مازندرانی، محمد، (۱۳۸۵)، «نگرش بر مسئولیت مدنی تصمیم گیرندگان قضایی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش. ۷۲، صص ۲۴۱-۲۳۳. سعیدی و یاقوتی (۱۴۰۲)، «مطالعه تطبیقی مصونیت و مسئولیت قاضی در فقه امامیه و نظام کامن لا»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۷۱-۱۹۰. صفایی و راضی، (۱۳۹۹)، «مسئولیت مدنی قاضی و تحول آن در فقه و حقوق

با سوءنیت و سوءاستفاده از موقعیت و اختیارات منجر به نقض اصول دادرسی و یا منتج به نقض حقوق طرفین دعوی می گردد، لذا به طریق اولی می بایست منجر به مسئولیت شده و شخص خاطی در ازای انجام آن با ضمانت اجرای پیش بینی شده مواجه شود. ضمانت اجرای این اصل در برخی از مواد قانونی پیش بینی گردیده است که در زیر به بررسی آنها و امکان تطبیق تعاملات فاسد بر مواد تصریح شده پرداخته می شود.

۱-۱-۳-۳. صدور عامدانه حکم به مجازات اشد: ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عدم رعایت اصل قانونی بودن مجازاتها را که منجر به صدمه و خسارت به اشخاص شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد، موجب مسئولیت کیفری و مدنی دانسته است. این ماده چنین تصریح می دارد «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است، تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسؤولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت المال جبران می شود.» هر چند که این ماده ممکن است در تعاملات فاسد مصداق کمی داشته باشد، چرا که این تعاملات بیشتر در جهت عدم اجرای قوانین و مجازات بر علیه شخص مجرم و از طرف او، انجام می پذیرد. لیکن ممکن است؛ این تعاملات از طرف اشخاص برای صدور مجازات و برخورد اشد با طرف دعوی خود با مقامات قضایی شکل بگیرد. بنابراین در صورتی که شخصی با تعامل با مقام قضایی او را به صدور مجازات اشد ترغیب و نهایتاً نیز چنین شود، می تواند با استناد به این ماده تظلم خواهی کند با توجه به اینکه مجازات ها در قوانین و کیفیت اجرای آن غالباً به صورت دقیق پیش بینی شده اند، می توان با توجه به شرایط پرونده و مجازات صادر شده، غیر قانونی بودن آن را اثبات نمود. لیکن ممکن است؛ مقام قضایی با ایجاد شرایط غیر واقعی یا تحریف واقعیت های موجود، صدور مجازات اشد را قانونی و موجه جلوه نماید^۱،

ایران و فرانسه»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۲۵، صص ۱۲۳-۱۴۸. انواری اغلوبیگ و موسوی (۱۳۹۶). «واکاوی مستندات مسئولیت قانونی مبتنی بر تقصیر قاضی»، مطالعه فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۷، صص ۷-۳۲

^۱ مثل اینکه نوع وسیله ارتکاب جرم را در مواردی که نوع آن می تواند موجب تشدید مجازات گردد، تحریف و به پرونده اضافه نماید یا انجام اعمالی را به شخص نسبت دهد که در واقعیت امر موجود نبوده است مثل سرقت مقرون به آزار و اذیت یا با حمل سلاح موضوع ماده ۶۵۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

که در این صورت با توجه به ظاهر قانونی حکم صادره، امکان توسل به ماده فوق بعید به نظر می‌رسد. مثل موردی که مصاحبه شونده شماره ۱۰ وکیل دادگستری بیان می‌نماید: «در پرونده ای که موکل بنده مرتکب سرقت ساده شده بود قاضی پرونده به دلایل نامعلوم با تحریف واقعیت و اضافه کردن سلاح به اوضاع احوال پرونده، عنوان اتهامی را به سرقت مقرون به آزار با حمل سلاح تغییر داد.»

۱-۲-۳- ماده ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی: شاید بتوان این ماده را نزدیک ترین ماده به جرم صدور حکم غیرقانونی عامدانه پیش‌بینی شده در کشورهای اروپایی مورد ذکر دانست. بدین توضیح که در این ماده بیان گردیده است؛ هرگاه پس از اجرای حکم قصاص، حد یا تعزیر که موجب قتل، یا صدمه بدنی شده است، پرونده در دادگاه صالح طبق مقررات آیین دادرسی، رسیدگی مجدد شده و عدم صحت آن حکم ثابت شود، دادگاه رسیدگی کننده مجدد، حکم پرداخت دیه از بیت المال را صادر و پرونده را با ذکر مستندات، جهت رسیدگی به مرجع قضائی مربوط ارسال می‌نماید تا طبق مقررات رسیدگی شود. در صورت ثبوت عمد یا تقصیر از طرف قاضی صادرکننده حکم قطعی، وی ضامن است و به حکم مرجع مذکور، حسب مورد به قصاص یا تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» و بازگرداندن دیه به بیت المال محکوم می‌شود. بنا بر این ماده در صورتی که قاضی رسیدگی کننده در نتیجه تعاملات فاسد و نقض بی طرفی و با سوءرفتار منجر به صدور حکم اشتباه و نهایتاً در نتیجه اجرای آن منجر به ایجاد صدمه و ضرر به شخص گردد، پس از اثبات امر قاضی مربوطه دارای مسئولیت کیفری خواهد بود.

ماده فوق الذکر به جهات ذیل محدود است و با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات و همچنین اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری امکان بسط آن به تمام مصادیق احکام صادره خلاف قانون وجود ندارد.

-محدودیت در موضوع حکم صادره: این ماده صرفاً در خصوص مجازات‌های قصاص، حد و تعزیری که اجرای آن منجر به قتل یا صدمه بدنی و سایر احکامی که اگرچه خلاف قانون بوده و خسارت‌هایی را برای اشخاص منجر شده است را در برنمی‌گیرد.

-لزوم اجرای حکم صادره خلاف: با توجه به متن ماده مذکور، اگر در خصوص موضوعی حکمی مبنی بر قصاص، حد یا تعزیر منجر به قتل یا صدمه بدنی بر خلاف حق صادر گردیده باشد لیکن به دلایلی فعلاً حکم اجرا نشده باشد، تحت شمول ماد مذکور نخواهد بود.

با توجه به مراتب پیش گفته در شرح ماده ۴۸۶ ق.م.ا در صورتی که اشخاص بتوانند وجود تعاملات فاسد که به نظر می رسد، می بایست؛ از مصادیق جرایم پیش بینی شده همچون جعل مادی یا مفادی باشند، نه هر توافقی که برای نقض اصول دادرسی صورت گرفته است را در پرونده مورد ادعایی خود ثابت نموده و از این طریق بتوانند درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی مجدد به دعوی خود را مطرح ساخته و خلاف بودن حکم صادره را نیز اثبات نمایند، باز هم نمی توانند در صورت فقدان شرایط ماده مذکور، بدان توسل جسته و مجازات قاضی صادر کننده را درخواست نمایند. اما پیش بینی مسئولیت دولت یا قاضی رسیدگی کننده (در فرض عمد یا تقصیر) در صورت اثبات عدم صحت حکم صادره و امکان محکومیت او به تعزیر، قصاص، نشانگر پذیرش مسئولیت کیفری قضات و عدم مصونیت مطلق آنها توسط قانون گذار ایران می باشد.

۳-۱-۳- ماده ۵۸۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده): در صورتی که حکام محاکم به واسطه ارتشاء حکم به مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند، علاوه بر مجازات ارتشاء حسب مورد به مجازات مقدار زائدی که مورد حکم واقع شده است محکوم خواهند شد. این ماده می تواند مثال خوبی برای مسئولیت کیفری قاضی در صورت انجام تعاملات فاسد و تاثیر آن در صدور حکم خلاف قانون باشد و تقریباً قابل قیاس با ماده ۳۱۹ مکرر قانون جزای ایتالیا در خصوص تاثیر فساد در تحریف حکم صادره می باشد. هر چند که ماده ۵۸۹ از مصادیق تعاملات صرفاً به «ارتشاء» اشاره نموده و در خصوص حکم نیز به مجازات آن توجه داشته است و آن را محدود به مواردی می کند که در آن مجازات تعیین شده، اشد از مجازات مقرر در قانون باشد.^۱

با توجه به اینکه نتیجه تعاملات فاسد، اخلال مستقیم در عدالت قضایی است و آسیب های ساختاری و جبران ناپذیری بر مشروعیت نهاد قضا وارد می کند و این آسیب ها زمانی مضاعف می شوند که فساد در قالب تأثیر مستقیم بر صدور رأی قضایی بروز یابد. اتخاذ رویکرد تقنینی ویژه در این زمینه، امری ضروری و مطابق با الزامات حقوق کیفری پیشگیرانه و حمایتی است. قانون مجازات اسلامی ایران، به رغم پیش بینی مسئولیت

^۱ . منظور از مجازات اشد، مجازاتی است که بیشتر از حداکثر مقرر در قانون باشد، چراکه قاضی بین حداقل و حداکثر مجازات دارای اختیار بوده و بسته به شرایط پیرامون هر پرونده می تواند به مجازات حداکثر نیز حکم نماید. رجوع شود به: صادقی، میرمحمد، (۱۳۹۲). جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان.

کیفری برای قضاات در صورت اثبات عمد یا تقصیر در صدور حکم، در برخی مواد قانون مجازات اسلامی (از جمله مواد ۱۳ و ۴۸۶ ق.م.ا و ماده ۵۸۹ بخش تعزیرات) که محدود به مصادیق مصرح در آنها می باشد، فاقد ماده مستقلی است که صدور حکم خلاف قانون به واسطه ارتکاب رفتار فاسد را به عنوان جرمی خاص (تاثیر فساد در آرای قضایی) شناسایی کند. با الهام از تجارب سایر کشورها در این زمینه از جمله مواد ۳۱۹ مکرر قانون جزای ایتالیا و مواد ۴۴۶، ۴۴۷ قانون جزای اسپانیا، تقنین ماده ای بدین مضمون؛ « هر مقام قضایی رسیدگی کننده به یک پرونده که در مقام انشای رای، به واسطه تعاملات فاسد با طرفین دعوی یا شخص ثالث، رایی صادر نماید که آشکارا خلاف قانون و مقررات جاری باشد و این امر در مرجع صالح ثابت شود، براساس نوع جرم موضوع پرونده و شدت و اهمیت مجازات قانونی آن، به جبران خسارت از شخص متضرر و از یک و نیم تا دو برابر حداکثر مجازات قانونی جرم ارتكابی موثر در انشای رای، محکوم می گردد... تبصره: تعاملات فاسد موضوع این ماده، می بایست؛ در قالب جرایم پیش بینی شده در قوانین موضوعه بوده و ارتکاب آن توسط مقام قضایی به موجب حکم قطعی در دادگاه صالح اثبات گردد.» می تواند، منجر به تقویت پاسخگویی با حفظ استقلال قضایی و نهایتاً اجرای عدالت و ارتقای اعتماد عمومی بینجامد.

نتیجه گیری:

تحقیق حاضر نشان داد که فساد در نظام قضایی، به ویژه در قالب تعاملات فاسد میان مقامات قضایی و اشخاص ذی نفع می تواند تهدیدی جدی برای تحقق عدالت و اصول دادرسی عادلانه باشد. بررسی تطبیقی قوانین برخی از کشورهای اروپایی، روشن ساخت که در برخی از این کشورها، مانند ایتالیا، اسپانیا و مولداوی مسئولیت کیفری قضاات در قبال صدور احکام ناعادلانه و متأثر از فساد، به صورت مستقیم پیش بینی شده و در قالب جرم انگاری خاص یا عام، با ضمانت اجراهای موثر همراه است. در مقابل نظام حقوقی ایران فاقد جرم انگاری مستقل برای صدور احکام غیرقانونی ناشی از فساد است و تنها برخی جلوه های این تعاملات در قالب جرائم عمومی نظیر رشوه، جعل مفادی و مادی، اعمال نفوذ، مورد پیگرد قرار می گیرند و صدور حکم خلاف صرفاً در صورتی که مصداق مواد ۱۳ و ۴۸۶ ق.م.ا و یا ماده ۵۸۹ ق.م.ا بخش تعزیرات و مجازات های بازدارنده باشد، می تواند منجر به مسئولیت کیفری برای مقام قضایی صادر کننده گردد. این خلا قانونی،

نه تنها امکان پاسخگویی موثر قضات متخلف را کاهش می‌دهد، بلکه می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی به دستگاه قضایی بینجامد. بنابراین لازم است قانون‌گذار ایرانی با الهام از تجارب سایر کشورها، به ویژه در خصوص تعریف روشن از « حکم خلاف قانون » و تعیین ضمانت اجرای کیفری متناسب و پیش‌بینی دادگاه مستقل برای رسیدگی به آن، نسبت به تدوین مقررات خاص اقدام نماید. این اقدام می‌تواند گامی موثر در جهت ارتقای پاسخگویی و سلامت نظام اداری کیفری باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

فارسی

۱. آلبرشت، هانس یورگ (۱۳۸۸). فساد و کنترل فساد: نگاهی به پدیده فساد با رویکردی به اسناد بین المللی در زمینه ی پیشگیری و منع فساد. (ترجمه مجید قورچی بیگی). فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، شماره ۱۷ و ۱۸
۲. احمدی فر علی، رجبیه محمدحسین، رجبی اکبر (۱۳۹۷). بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، ۳۱۳-۳۴۶: (۴۱)۱۱
۳. افراسیابی، علی (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی معیارهای متهم‌انگاری در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، آراء دیوان اروپایی حقوق بشر و نظام حقوقی ایران (e719189). فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی 1460.2041572.2024.22034/law. doi: 10.22034
۴. انواری اغلوییگ، بهرام، موسوی، سید محمد صادق (۱۳۹۶). واکاوی مستندات مسئولیت قانونی مبتنی بر تقصیر قاضی. مطالعه فقه و حقوق اسلامی، ۱۷: ۷-۳۲
۵. پژوهشکده مطالعات پایه (۱۴۰۰). ارزیابی فساد قضایی در آمریکای مرکزی و پاناما و سازوکارهای مقابله با آن. (گردآوری سمیه عالی). پژوهشگاه قوه قضائیه و مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه
۶. حجتی، سیدمهدی؛ باری، مجتبی (۱۳۸۴). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی. تهران: انتشارات میثاق عدالت.
۷. داورنیا، رحیم (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایتالیا، فرانسه، ایالت متحده آمریکا و ایران. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۷۵: ۱۳۵-۱۴۸.
۸. دولتخواه پاشاکی، پیمان (۱۴۰۰). سازوکارهای کنترل فساد قضایی در نظام عدالت کیفری. تهران: مهرکلام.
۹. سراج، ناصر (۱۴۰۰). جرایم اقتصادی سازمان یافته و تاثیر آن بر نظام اقتصادی کشور (مطالعه موردی: پرونده فساد بانکی سه هزار میلیاردتومانی). فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۴(۱۱): ۸۲-۵۵.
۱۰. شمسی شقایق، مومنی عابدین (۱۴۰۰). نگاهی انتقادی به مسئولیت مدنی قضات در فقه و حقوق ایران. فصلنامه پژوهشنامه حقوق خصوصی احرار، ۲(۴).
۱۱. سعیدی یاسمن، یاقوتی ابراهیم (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی مصونیت و مسئولیت قاضی در فقه امامیه و نظام کامن لا. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۰(۱): ۱۷۱-۱۹۰.

۱۲. سلطانی نژاد، هدایت الله (۱۳۷۶). بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایران و فقه امامیه و سیستم های حقوقی بیگانه. فصلنامه مفید، ۳(۱۱).
۱۳. صادقی، میرمحمد (۱۳۹۲). جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران: نشر میزان.
۱۴. صالحی مازندرانی، محمد (۱۳۸۵). نگرش بر مسئولیت مدنی تصمیم گیرندگان قضایی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۷۲: ۲۴۱-۲۷۳
۱۵. صفایی سید حسین، راضی سپیده (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی قاضی و تحول آن در فقه و حقوق ایران و فرانسه. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲۵: ۱۲۳-۱۴۸.
۱۶. طاهری احد، طباطبایی، محمدصادق (۱۳۹۹). تبیین راهکارهای مبارزه با فساد قضایی در نظام دادرسی مدنی ایران. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۵۰(۲): ۲۵۸-۳۰۲.
۱۷. گرجی ازدریانی، علی اکبر (۱۳۹۶). مبانی حقوق عمومی. تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
۱۸. گلدوست جویباری رجب، باقری نژاد زینب (۱۳۹۲). مسئولیت کیفری، مدنی و انتظامی ناقضین اصول بنیادین دادرسی کیفری. پژوهش حقوق کیفری، ۲(۵): ۷۳-۹۲.
۱۹. سازمان شفافیت بین الملل (۱۳۹۵). فساد در نظام های قضایی؛ گزارش سازمان شفافیت بین الملل (لیلی منفرد) مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۲۰. محلوجی منیژه، حیدری مسعود، شادمان فر محمدرضا (۱۳۹۹). بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران در خصوص جرایم و تخلفات انتظامی قضاات. فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۳(۵۰): ۳۴-۱۷.
۲۱. مرادی صادق، امانی مروارید (۱۴۰۲). مسئولیت قضاات؛ امکان یا امتناع مطالعه تطبیقی نظام مسئولیت مدنی قضاات در ایران، فرانسه و ایالت متحده آمریکا. فصلنامه تحقیقات نوین میان رشته‌ای حقوق، ۳(۳): ۷-۲۴.
۲۲. یوسفیان شوره دلی بهنام، لیلا رسولی آستانی (۱۳۹۲). «نگرش تطبیقی به جبران خسارات وارد شده بر محکومان بی گناه از نظر تا واقعیت»، مجله حقوقی دادگستری، ۷۷(۸۲): ۲۴۶-۲۷۷.

References

1. Afrasiyabi, A. (2024). A comparative study of Accusation criteria in the Statute of the International Criminal Court, the decisions of the European Court of Human Rights, and the Iranian legal system (e719189). *Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law*. <https://doi.org/10.22034/law.2024.2041572.1460> (in Persian)
2. Ahmadi Far, A., Rajabiyeh, M. H., & Rajabi, A. (2018). A study on claims for damages arising from judge's error or negligence in Iranian substantive law. *Iranian and International Comparative Legal Research*, 11(41), 313-346. (in Persian)
3. Albrecht, H.-J. (2009). *Corruption and the control of corruption: A look at the phenomenon of corruption with an approach to international documents on corruption prevention and prohibition* (M. Ghorchi Beigi, Trans.). *Legal Information Quarterly*, 17 & 18. (in Persian)
4. Analysis of the Criminal Justice System's Response to Corruption (Bosnia and Herzegovina). (2017). *Technical Report*. Retrieved from www.researchgate.net/publication/313309215
5. Anja, S. F. (2014, August). Judicial Independence and Judicial Accountability. In *Judicial Reforms in Luxembourg and Europe* (pp. 105-118).
6. Anvari Aghloubig, B., & Mousavi, S. M. S. (2017). Analysis of legal liability based on judge's negligence. *Journal of Islamic Jurisprudence and Law Studies*, 17, 7-32. (in Persian)
7. Ayers, I. (1997). The Twin Faces of Judicial Corruption: Extortion and Bribery. *Yale Law School Scholarship Repository Paper 1500*, 1(1), 1213-1253.
8. Benson, B. L. (1988). An institutional explanation for corruption of criminal justice officials. *Cato Journal*, 8, 139.
9. Braimah, A. I. (2016). Are Judges Corrupt? An Empirical Analysis of the Ghana Judiciary. *Journal of Humanities and Social Science*, 21(8), 12-21.
10. Brooks, G. (2016). *Criminology of corruption*. Palgrave Macmillan. doi : 10.1007/978-1-349-26299-0
11. Brooks, G. (2019). *Criminal justice and corruption: State power, privatization and legitimacy*.

12. Brooks, G., Walsh, D., Lewis, C., & Kim, H. (2013). *Preventing corruption: Investigation, enforcement and governance*. Springer.
13. Burkhardt, B. C. (2014). Private prisons in public discourse: Measuring moral legitimacy. *Sociological Focus*, 47(4), 279-298.
14. Buscaglia, E. (2001). An analysis of judicial corruption and its causes: An objective governing-based approach. *International Review of Law and Economics*, 21(2), 233-249.
15. Buscaglia, E., & Ruiz, S. G. (2002). How to Design a National Strategy against Organized Crime and Public Sector Corruption in the Framework of the United Nations' Palermo Convention. In *The Fight against Organized Crime* (pp. [Page numbers not provided]). UNDP Press.
16. Clementucci, F., & Dzehtsiarou, K. (2021). *Criminal responsibility of judges for unjust judgments: Comparative paper*. Council of Europe. (Prepared within the framework of the Council of Europe Project "Human Rights Compliant Criminal Justice System in Ukraine," part of the Council of Europe Action Plan for Ukraine)
17. Council of Europe. (2009). *Corruption risk in criminal process and judiciary*. Retrieved from <https://rm.coe.int/16806edf5>
18. Danileț, C., & Vasilescu, V. (2010). *Corruption and anti-corruption in the justice system*. CH Beck.
19. Davarnia, R. (2006). Civil liability of judges in the law of Italy, France, the United States, and Iran. *Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran*, 75, 135-148. (in Persian)
20. Deflem, M. (1995). Corruption, law, and justice: A conceptual clarification. *Journal of Criminal Justice*, 23(3), 243-258.
21. Dolatkah Pashaki, P. (2021). *Mechanisms of controlling judicial corruption in the criminal justice system* (1st ed.). Mehr Kalam. (in Persian)
22. *Fair Trial Implications of Corruption Allegations at the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia*. www.ticambodia.org FROM: Elizabeth Nielsen, Yale Law School Legal Associate, Documentation Center of Cambodia TO: Anne Heindel Legal Advisor, Documentation Center of Cambodia

23. Franzin, D. (2023). Abuse of office and the criminal control over administrative action after the reform of 2020. *Rivista Trimestrale di Scienza dell'Amministrazione*. Università degli Studi di Roma Tre. Retrieved from <https://iris.uniroma3.it/handle/11590/454432>
24. Goldoust Joybari, R., & Bagherinejad, Z. (2013). Criminal, civil, and disciplinary liability of violators of fundamental principles of criminal procedure. *Criminal Law Research*, 2(5), 73-92. (in Persian)
25. Gong, T. (2004). Dependent judiciary and unaccountable judges: Judicial corruption in contemporary China. *China Review*, 33-54.
26. Gorji Azandryani, A. A. (2017). *Foundations of public law*. Jangal-e Javadaneh Publishing. (in Persian)
27. Hojjati, S. M., & Bari, M. (2005). *Islamic penal code in the current legal order*. Mithaq-e Adalat Publishing. (in Persian)
28. Hovhannisyanyan, A. (2023). Certain Issues Related to the Corpus Delicti of Issuing a Manifestly Unjust Judgment, Verdict, or other Judicial Act. *Bulletin of Yerevan University C: Jurisprudence*, 14(2 (39)), 76-85.
29. International Bar Association. (2016). *The international bar association judicial integrity initiative: judicial systems and corruption*. Ibanet. Org.
30. Italy. (2014). *Self-assessment report on implementation and enforcement of G20 commitments on foreign bribery*. G20 Anti-Corruption Working Group.
31. Jenkins, S. (2013). Miscarriages of justice and the discourse of innocence: Perspectives from appellants, campaigners, journalists, and legal practitioners. *Journal of Law and Society*, 40(3), 329-355.
32. Kozak, V. A. (2013). Criminal Responsibility for Making Deliberately Unjust Sentence, Decision, Definition or Ruling by a Judge (Judges): Analysis of the Main Corpus Delicti. *Probs. Legality*, 123, 144.
33. Lindgren, J. (1987). The elusive distinction between bribery and extortion: from the common law to the Hobbs Act. *UCLA Law Review*, 35, 815.
34. Mahlouji, M., Heydari, M., & Shadmanfar, M. R. (2020). A study of Iran's legislative criminal policy regarding judges' crimes and disciplinary violations. *Journal of Free Legal Research*, 13(50), 17-34. (in Persian)

35. Monahan, M. A. (1999). The problem of the judge who makes the case his own : Notions of judicial immunity and judicial liability in ancient Rome. *Catholic University Law Review*, 49, 429.
36. Moradi, S., & Amani, M. (2023). Judges' liability; possibility or impossibility: A comparative study of judicial civil liability in Iran, France, and the United States. *Journal of Interdisciplinary Legal Research*, 3(3), 7-24. (in Persian)
37. Muntingh, L. (2006). *Corruption in the prison context* (Vol. 11, p. 19). CSPRI Research Report.
38. Nielsen, E. (2012). *Fair Trial Implications of Corruption Allegations at the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia*. Documentation Center of Cambodia. (Original communication : To Anne Heindel, Legal Advisor, Documentation Center of Cambodia, from Elizabeth Nielsen, Yale Law School Legal Associate). (Note : Year adjusted based on typical communication dating and context, original text provided a communication flow without a clear publication year for the report itself).
39. Peerenboom, R. (Ed.). (2009). *Judicial independence in China: lessons for global rule of law promotion*. Cambridge University Press.
40. Research Institute for Basic Studies. (2021). *Assessment of judicial corruption in Central America and Panama and mechanisms to counteract it* (S. Ali, Trans.). Judiciary Research Institute and Press Center of the Judiciary. (in Persian)
41. Sadeghi, M. M. (2013). *Crimes against property and ownership*. Mizan Publishing. (in Persian)
42. Saeedi, Y., & Yaghouti, E. (2023). Comparative study of judicial immunity and responsibility in Twelver Shi'ite jurisprudence and common law systems. *Comparative Research in Islamic and Western Law*, 10(1), 171-190. (in Persian)
43. Safaei, S. H., & Razi, S. (2020). Civil liability of judges and its evolution in Iranian and French law. *Comparative Research in Islamic and Western Law*, 25, 123-148. (in Persian)
44. Salehi Mazandarani, M. (2006). A perspective on civil liability of judicial decision-makers. *Journal of Faculty of Law and Political Science, University of Tehran*, 72, 241-273. (in Persian)

45. Schütte, S. A., Jennett, V., Messick, R. E., Albanese, J. S., Gramckow, H., & Hill, G. (2015). *Corruption risks in the criminal justice chain and tools for assessment*. U4 Issue.
46. Seraj, N. (2021). Organized economic crimes and their impact on the country's economic system (Case study: The three-thousand-billion-toman banking corruption case). *Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law*, 4(11), 55-82. (in Persian)
47. Shamsi Shaghayegh, & Momeni Abedin. (2021). A critical view on civil liability of judges in Iranian jurisprudence and law. *Journal of Private Law Research*, 2(4). (in Persian)
48. Shepitko, M. (2017). Investigation of Deliberately Unjust Verdicts, Judgments and other Decisions Issued by Judges in Ukraine. *Zagadnienia Społeczne*, (2), 8.
49. Shepitko, M. (2019). Counteraction to Miscarriage of Justice in Ukraine. *Access to Justice in Eastern Europe*, 96.
50. Soltani Nejad, H. (1997). Comparative study of civil liability of judges in Iranian law, Twelver Shi'ite jurisprudence, and foreign legal systems. *Mofid Quarterly*, 3(11). (in Persian)
51. Szuleka, M., & Kalisz, M. (2019). *Disciplinary proceedings against judges and prosecutors*. Helsinki Foundation for Human Rights.
52. TI Secretariat. (2007). *Combating Corruption in Judicial Systems: Advocacy Toolkit*. [Publisher information if available].
53. Transparency International. (2016). *Corruption in judicial systems: Transparency International report* (L. Monfared, Trans.). Judiciary Press Center. (in Persian)
54. United Nations Office on Drugs and Crime. (2018). *State of implementation of the United Nations Convention against corruption: criminalization, law enforcement and international cooperation*. UN. Retrieved from <https://www.unodc.org/unodc/en/corruption/implementation.html>
55. Voigt, S., & Gutmann, J. (2015). On the wrong side of the law-Causes and consequences of a corrupt judiciary. *International Review of Law and Economics*, 43, 156-166.
56. Vorobchak, A. R., Nalutsyshyn, V. V., Nalutsyshyn, V. V., & Popovych, O. V. (2020). Crimes against justice under the legislation of the states of the European Union. *International Journal*, 9, 1526-1532.

57. Wagner, B. B., & Jacobs, L. G. (2008). Retooling Law Enforcement to Investigate and Prosecute Entrenched Corruption : Key Criminal.
58. Yousefian Shuredeli, B., & Rasouli Astani, L. (2013). A comparative view on compensation for damages to wrongfully convicted individuals: Theory and practice. *Judiciary Legal Journal*, 77(82), 246-277. (in Persian)

